





هنر تلاوت قرآن کریم در طول تاریخ اسلام همواره یکی از ابزارهای نافذ و مؤثر در تبلیغ دین مبین اسلام بوده است. در ایران اسلامی، حمایت بزرگ پرچمدار قرآن کریم؛ رهبر فرزانه انقلاب از فعالیت‌های قرآنی و جریان قرائت قرآن، فرصتی بی‌بدیل را برای رشد این هنر و قشر هنرمند قراء فراهم کرده است. لزوم معرفی قهرمانان قرآنی در جامعه، در سخنان مقام معظم رهبری حفظه الله نشان از اهمیت و کارکرد راهبردی قرائت قرآن در نگاه ایشان دارد. از این‌رو جهت شناسایی، هدایت و پرورش نوجوانانی مستعد و نخبه در هنر پر فروغ قرائت با هدف تربیت مبلغان شایسته قرآنی، طرح آموزشی- تربیتی قاریان ممتاز نوجوان و جوان قرآن کریم موسوم به «أسوه» به همت «جامعه فرهنگی قرآنی عصر» و با همکاری «شورای عالی قرآن» تدبیر و از سال ۱۳۹۳ به اجرا درآمد.

در عرصه هنر قرائت قرآن، علی‌رغم وجود جلسات سنتی قرآن کریم که غالب چهره‌های شاخص قرائت قرآن کشور نیز از همین جلسات به جامعه معرفی شدند و احياناً در مسابقات بین‌المللی برای جمهوری اسلامی افتخارآفرینی کردند، عدم استقرار نظام آموزشی جامع که تمام نیازهای علمی، فنی و تربیتی یک قاری در آن تعریف شده و منطبق بر اصول صحیح باشد، سبب شد تمامی استعدادها موجود در این زمینه به شکوفایی نرسند و یا به‌صورت تک‌بعدی مثلاً در حیطه فنی قرائت قرآن ارتقاء یابند. در حالی که هنر تلاوت قرآن کریم باب ورود قاری به دریای بی‌کران معارف قرآنی و مقدمه و وسیله‌ای است برای انتقال صحیح مفاهیم قرآن از طریق الحان و نعمات به مستمعین کلام وحی. لذا توقف در مقدمه به‌هیچ وجه شایسته نیست. بر این اساس، اجرای طرح آموزشی-تربیتی أسوه با سرمایه‌گذاری روی قاریان نوجوان ممتاز سراسر کشور، با طراحی نظامی جامع که ناظر به همه ابعاد تربیت یک قاری ممتاز در تراز نظام جمهوری اسلامی ایران باشد، تدارک گردید. یکی از گام‌های عملیاتی شدن بخشی از اهداف مذکور در این حرکت مبارک، ساماندهی بخش نظری کار با تألیف و تدوین کتب آموزشی متناسب با نیازهای قاریان ارجمند أسوه می‌باشد که مجموعه حاضر بدین‌منظور تهیه و تدارک شده است.

در این مجال از زحمات مؤلف گرانقدر، صمیمانه قدردانی می‌شود.

امید که اسباب ارتقاء قراء عزیز فراهم گردد.

دبیرخانه طرح أسوه



بخش اول

تکمیلی نماز جماعت.....	۶
استفتائات	۷
حکم امام جماعتی که قرائت وی صحیح نیست	۱۳
امامت شخص ناقص العضو	۱۴
اقتدا به اهل سنت	۱۵
تکمیلی نماز جمعه	۱۶
تکمیلی نماز مسافر	۲۰
استفتائات	۲۴
حکم دانشجویان و روحانیون	۲۷
قصد اقامت و مسافرت شرعی	۲۸
سفر معصیت	۳۴
احکام وطن	۳۴
تبعیت زن و اولاد در وطن	۳۸
احکام بلاد کبیره	۳۹

بخش دوم

تکمیلی احکام روزه	۴۰
استفتائات	۴۰
بیماری و منع پزشک	۴۳
مبطلات روزه	۴۴
بقاء بر جنابت	۴۵
احکام مبطلات روزه	۴۷
کفاره روزه و مقدار آن	۴۸
قضای روزه	۴۹
تکمیلی خمس	۵۱
استفتائات	۵۳
قرض، حقوق ماهیانه، بیمه و بازنشستگی	۵۶
حج خانه خدا	۵۸
شرایط وجوب حج	۶۰

تکمیلی نماز جماعت

نماز جماعت از مهم‌ترین مستحبات و از بزرگترین شعائر اسلامی است و در روایات، فوق‌العاده روی آن تکیه شده است، مخصوصاً برای همسایه مسجد یا کسی که صدای اذان مسجد را می‌شنود بیشتر سفارش شده و سزاوار است انسان تا می‌تواند نمازش را با جماعت بخواند. در روایتی آمده است که اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند هر رکعت آن ثواب ۵۱۰ نماز دارد و اگر دو نفر اقتدا کند هر رکعت ثواب ۶۰۰ نماز و هر قدر عدد نمازگزاران بیشتر شود ثواب نمازشان بیشتر خواهد شد و اگر عدد آنان از ده نفر بگذرد اگر تمام آسمان‌ها کاغذ و دریاها مرکب و درختان قلم و ملائکه و انس و جن نویسنده شوند، نمی‌توانند ثواب یک رکعت آن‌را بنویسند.

۱- حاضر نشدن به نماز جماعت اگر از روی بی‌اعتنایی و سبک شمردن باشد حرام است.

۲- مستحب است انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند و نماز جماعت از نماز اول وقت فرادی بهتر است و نیز جماعتی که مختصر بخوانند از نماز فرادی که آن‌را طول دهند برتر است.

۳- هرگاه جماعت برپا شود مستحب است کسی که نمازش را فرادی خوانده دوباره باجماعت بخواند و اگر بعداً بفهمد نماز اولش باطل بوده نماز دوم کافی است.

۴- جایز است «امام جماعت» که یک بار نماز خود را با جماعت خوانده آن‌را با جماعت دیگری دوباره بخواند، اما بیش از دو بار اشکال دارد؛ بنابراین یک امام جماعت می‌تواند در دو مسجد اقامه جماعت کرده و نماز را دوباره بخواند.

- ۵- کسی که در نماز وسواس دارد و وسواس او اسباب اشکال نماز می‌شود، چنانچه بداند در صورتی که نماز را با جماعت بخواند از وسواس راحت می‌شود باید نماز را به جماعت بخواند.
- ۶- هیچ نماز مستحبی را نمی‌توان با جماعت خواند، مگر نماز استسقاء، یعنی نمازی که برای آمدن باران می‌خوانند و نماز عید فطر و قربان که در زمان غیبت امام (علیه‌السلام) مستحب است.
- ۷- در نمازهای یومیه هر نمازی را می‌توان به هر نماز امام اقتدا کرد، مثلاً اگر امام نماز ظهر را می‌خواند و او نماز ظهر را قبلاً خوانده می‌تواند نماز عصرش را با نماز ظهر امام بخواند؛ ولی اگر امام برای احتیاط نمازش را اعاده کرده، نمی‌تواند نماز خود را با او بخواند، مگر این که هر دو از جهت احتیاط مثل هم باشند.
- ۸- اگر امام جماعت نماز قضا می‌خواند می‌شود به او اقتدا کرد؛ ولی اگر نمازش را احتیاطاً قضا کند اقتدا به او اشکال دارد.
- ۹- اگر انسان نداند نمازی را که امام می‌خواند نماز نافله است یا نماز واجب، نمی‌تواند

استفتائات

- ۱- امام جماعت در نماز باید چه نیتی بکند؟ آیا نیت جماعت باید بکند یا نیت فرادی؟
- اگر بخواهد فضیلت نماز جماعت را درک کند، باید قصد امامت و جماعت کند، و اگر بدون قصد امامت نماز، مشغول آن شود، نماز وی و اقتدای دیگران به او اشکال ندارد.
- ۲- در اماکن نظامی هنگام برپایی نماز جماعت که در وقت اداری است، تعدادی از نظامیان به خاطر شرایط کاری در آن شرکت نمی‌کنند، با آن که انجام آن کارها بعد از وقت اداری و یا در روز بعد ممکن است. آیا این عمل سبک شمردن نماز است؟
- بهتر است برای درک فضیلت نماز اول وقت و جماعت، کارهای اداری به گونه‌ای تنظیم شود که آن‌ها بتوانند این فریضه الهی را به صورت جماعت و در کمترین مدت بخوانند.

۳- نظر جنابعالی درباره انجام کارهای مستحبی مثل نماز مستحب یا دعای توسل و یا سایر دعاها یا طولانی که قبل یا بعد از نماز جماعت و یا در اثنای آن در نمازخانه ادارات دولتی برگزار می‌شود و بیشتر از نماز جماعت طول می‌کشد، چیست؟ دعاها و اعمال مستحبی زائد بر فریضه الهی نماز جماعت که از شعائر اسلامی است، اگر منجر به تضييع وقت اداری و تأخیر در انجام کارهای واجب شود، اشکال دارد.

۴- آیا اقامه نماز جماعت دوم در نزدیکی مکانی که نماز جماعت در آنجا با حضور تعداد زیادی از نمازگزاران اقامه می‌شود، و صدای اذان و اقامه آن شنیده می‌شود، صحیح است؟ اقامه نماز جماعت دوم اشکال ندارد، ولی مناسب است که مؤمنین در یک مکان اجتماع کرده و همگی در یک نماز جماعت شرکت کنند تا بر عظمت مراسم دینی نماز جماعت افزوده شود.

۵- بعضی از اشخاص هنگام برپایی نماز جماعت، اقدام به خواندن نماز فرادی می‌کنند، این کار چه حکمی دارد؟ این عمل اگر تضعیف نماز جماعت و اهانت و بی‌احترامی به امام جماعتی که مردم اعتماد به عدالت او دارند، محسوب شود، جایز نیست.

۶- در محله‌ای چند مسجد وجود دارد که در همه آنها نماز جماعت اقامه می‌شود، خانه‌ای بین دو مسجد واقع شده که فاصله آن از یک مسجد ده خانه و از دیگری دو خانه است، در این خانه هم نماز جماعت اقامه می‌شود، این نماز جماعت چه حکمی دارد؟

سزاوار است که اقامه نماز جماعت وسیله وحدت و انس باشد، نه این که باعث ایجاد جو اختلاف و تفرقه گردد، در هر صورت اقامه نماز جماعت در خانه مجاور مسجد، اگر باعث اختلاف و پراکندگی نگردد، اشکال ندارد.

۷- آیا جایز است شخصی بدون اجازه امام جماعت راتب مسجد که مورد تأیید مرکز اداره امور مساجد است، در آن مسجد نماز جماعت اقامه کند؟

اقامه نماز جماعت متوقف بر اجازه امام جماعت راتب مسجد نیست، ولی بهتر است کسی مزاحم امام جماعت راتب مسجد هنگام حضور وی در آن مسجد برای اقامه نماز جماعت نشود، و حتی اگر ایجاد مزاحمت برای او موجب برانگیخته شدن فتنه و مانند آن شود، حرام است.

- ۸- اگر گاهی امام جماعت سخنی بگوید و یا مزاحی کند که خوشایند و مناسب شأن عالم دینی نباشد، آیا با این کار از عدالت ساقط می‌شود؟
- اگر مخالف شرع نباشد، ضرری به عدالت نمی‌زند.
- ۹- آیا اقتدا به امام جماعت بدون شناخت واقعی او جایز است؟
- اگر عدالت او نزد مأموم به هر طریقی ثابت باشد، اقتدا به او جایز و نماز جماعت صحیح است.
- ۱۰- به نظر شما معنای عدالت چیست؟
- عدالت عبارت از حالت نفسانی است که باعث می‌شود انسان همیشه تقوایی داشته باشد که مانع از ترک واجبات یا انجام محرمات شرعی است، و برای احراز آن، حسن ظاهر، کافی است.
- ۱۱- ما تعدادی جوان هستیم که در تکیه‌ها و حسینیه‌ها دور هم جمع می‌شویم و هنگام رسیدن وقت نماز فرد عادل را مقدم کرده و برای نماز به او اقتدا می‌کنیم. ولی بعضی از برادران به این کار اشکال نموده و می‌گویند امام راحل (قدس سره) خواندن نماز پشت سر غیر عالم دینی را حرام می‌داند، وظیفه ما چیست؟
- با دسترسی به روحانی، به غیر روحانی اقتداء نکنند.
- ۱۲- آیا دو نفر می‌توانند نماز جماعت اقامه کنند؟
- اگر مراد تشکیل نماز جماعتی است که مرکب از امام و یک مأموم باشد، اشکال ندارد.
- ۱۳- اگر مأموم در نماز جماعت ظهر و عصر حمد و سوره را برای تمرکز ذهن قرائت کند با این که بر او واجب نیست، نماز او چه حکمی دارد؟
- در نمازی که باید آهسته خوانده شود، مثل نماز ظهر و عصر، قرائت برای او جایز نیست حتی اگر برای تمرکز ذهن باشد.
- ۱۴- اگر امام جماعت با دو چرخه برای اقامه نماز جماعت برود و همه قوانین عبور و مرور را رعایت کند، چه حکمی دارد؟
- این کار به عدالت و صحت امامت جماعت ضرر نمی‌زند.

۱۵- اگر انسان نماز جماعت را به طور کامل در رک نکند و به آخر آن برسد و برای درک ثواب آن، تکبیرة الاحرام را گفته و بنشیند و تشهد را با امام بخواند و بعد از سلام او برخیزد و رکعت اول را بخواند، آیا این کار را در تشهد رکعت دوم نمازهای چهار رکعتی هم می تواند انجام دهد؟

این طریق مختص تشهد آخر نماز جماعت و برای درک ثواب جماعت است.

۱۶- آیا جایز است امام جماعت برای نماز اجرت بگیرد؟

جایز نیست، مگر آن که برای مقدمات حضور در جماعت باشد.

۱۷- آیا جایز است امام جماعت در یک زمان عهده دار امامت دو نماز (دو نماز عید یا هر نمازی) گردد؟

تکرار نماز جماعت برای یک بار به خاطر مأمومین دیگر در نمازهای یومیه جایز و بلکه مستحب است. ولی جواز آن در نماز عید مشکل است.

۱۸- اگر امام جماعت در رکعت سوم یا چهارم نماز عشاء باشد و مأموم در رکعت دوم، آیا بلند قرائت کردن حمد و سوره بر مأموم واجب است؟

در فرض سؤال واجب است که حمد و سوره را آهسته بخواند.

۱۹- در نماز جماعت بعد از سلام ابتدا آیه صلوات بر پیامبر تلاوت می شود و نمازگزاران سه مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیهم اجمعین) می فرستند، بعد از آن سه بار تکبیر می گویند و سپس شعارهای سیاسی به صورت دعا و برائت توسط مؤمنین با صدای بلند داده می شود، آیا این کار اشکال دارد؟

قرائت آیه و ذکر صلوات بر پیامبر و آل او (صلی الله علیهم اجمعین) نه تنها اشکال ندارد بلکه مطلوب بوده و ثواب دارد، و مواظبت بر شعارهای اسلامی و شعار انقلاب اسلامی (تکبیر و ملحقات آن) که یادآور رسالت و اهداف بلند انقلاب اسلامی است، هم مطلوب است.

۲۰- اگر شخصی در رکعت دوم نماز جماعت به مسجد برسد و بر اثر جهل به مسأله، تشهد و قنوت را که باید در

رکعت بعد به جا آورد، انجام ندهد، آیا نماز وی صحیح است؟

نماز صحیح است. ولی بنا بر احتیاط قضای تشهد را به جا آورد و دو سجده سهو، هم برای ترک تشهد بر او واجب است.

۲۱- آیا رضایت کسی که در نماز به او اقتدا می شود، شرط است؟ آیا اقتدا به مأوم صحیح است؟

رضایت امام جماعت شرط صحت اقتدا نیست، و اقتدا به مأوم تا وقتی که نمازش را به جماعت ادامه می دهد، صحیح نیست.

۲۲- دو نفر که یکی امام است و دیگری مأوم، اقامه نماز جماعت کرده اند. شخص سومی به تصور این که فرد دوم امام

است، به او اقتدا می کند و بعد از نماز می فهمد که وی مأوم بوده نه امام، نماز شخص سوم چه حکمی دارد؟

اقتدا به مأوم صحیح نیست، ولی زمانی که انسان نداند و به او اقتدا کند، اگر در رکوع و سجود به وظیفه نماز گزار منفرد

عمل کرده، بدین معنی که رکعتی را عمداً و یا سهواً کم یا زیاد نکرده باشد، نمازش صحیح است.

۲۳- کسی که قصد خواندن نماز عشاء را دارد، آیا می تواند به کسی که نماز مغرب می خواند، اقتدا نماید؟

اشکال ندارد.

۲۴- آیا عدم رعایت ارتفاع محل نماز امام نسبت به مأومین، موجب بطلان نماز آنها می شود یا خیر؟

اگر بلندی جایگاه امام نسبت به جایگاه مأومین، بیشتر از حدی باشد که شرعاً مجاز است، موجب بطلان نماز جماعت است.

۲۵- اگر یکی از صف های نماز جماعت به طور کامل از افرادی تشکیل شده باشد که نمازشان قصر است و نماز همه افراد

صف بعدی تمام باشد، اگر افراد صف جلو بعد از خواندن دو رکعت نماز فوراً برای خواندن دو رکعت بعدی اقتدا کنند، آیا

نماز کسانی که در صف پشت سر آنها هستند، نسبت به دو رکعت آخر نماز، جماعت باقی می ماند یا فرادی می شود؟

با این فرض که نماز همه افراد صف جلو قصر است، صحت نماز جماعت صف های بعدی محل اشکال است. احوط این

است که صف های بعدی، بعد از این که افراد صف اول برای سلام نماز نشستند، نماز خود را به صورت فرادی بخوانند.

۲۶- اگر مأوم در آخر یکی از دو طرف صف اول نماز ایستاده باشد، آیا می تواند قبل از مأومینی که بین او و امام

ایستاده اند، وارد نماز جماعت شود؟

اگر مأمومینی که بین او و امام ایستاده‌اند، بعد از این که امام جماعت شروع به نماز کرد، به‌طور کامل آماده اقتدا نمودن باشند، می‌تواند به نیت جماعت وارد نماز شود.

۲۷- کسی که به رکعت سوم نماز جماعت برسد و به خیال این که امام در رکعت اول است، چیزی نخواند، آیا اعاده نماز بر او واجب است؟

اگر قبل از رکوع متوجه شود قرائت واجب است، ولی اگر بعد از این که داخل رکوع شد متوجه شود، نماز او صحیح است و چیزی بر او واجب نیست؛ هر چند احتیاط مستحب این است که دو سجده سهو برای ترک سهوی قرائت به‌جا آورد.

۲۸- برای برگزاری نماز جماعت در اداره‌های دولتی و دبیرستان‌ها نیاز شدیدی به امام جماعت وجود دارد، و چون غیر از من عالم دیگری در منطقه وجود ندارد، مجبور هستم یک نماز را در مکان‌های مختلف برای سه یا چهار بار به‌عنوان امام جماعت اقامه کنم و چون همه مراجع نماز جماعت دوم را اجازه می‌هند، آیا در بیشتر از آن نیت نماز قضای احتیاطی جایز است؟ امامت به نیت نماز قضای احتیاطی صحیح نیست.

۲۹- یکی از دانشگاه‌ها اقدام به برگزاری نماز جماعت برای کارمندان خود در یکی از ساختمان‌های مربوط به دانشگاه که در مجاورت یکی از مساجد شهر قرار دارد، کرده است، با توجه به این که در همان زمان در آن مسجد نماز جماعت اقامه می‌شود، شرکت در نماز جماعت دانشگاه چه حکمی دارد؟

شرکت در نماز جماعتی که از نظر مأموم واجد شرایط اقتدا و جماعت است، اشکال ندارد، هر چند نزدیک مسجدی باشد که در همان زمان در آن نماز جماعت برگزار می‌شود.

۳۰- آیا کسی که در نماز مسافر مقلد امام خمینی (قدّس سرّه) است، می‌تواند به امام جماعتی که در آن مسأله مقلد مرجع دیگری است، به‌خصوص در نماز جمعه، اقتدا نماید؟

اختلاف در تقلید مانع از صحّت اقتدا نیست، ولی اقتدا در نمازی که طبق فتوای مرجع تقلید مأموم، قصر است و طبق فتوای مرجع تقلید امام جماعت، تمام است، یا بالعکس صحیح نیست.

۳۱- اگر امام جماعت سهواً بعد از تکبیرة الاحرام به رکوع برود، وظیفه مأموم چیست؟

اگر مأموم بعد از داخل شدن در نماز جماعت و پیش از رفتن به رکوع متوجه شود واجب است که نیت فرادی نموده و حمد و سوره را قرائت کند.

۳۲- اگر تعدادی از دانش‌آموزان غیر بالغ مدارس بعد از صف سوم یا چهارم نماز جماعت ایستاده باشند و بعد از آنها تعدادی از افراد مکلف ایستاده باشند، نماز مکلفین صف‌های بعدی چه حکمی دارد؟
در فرض مذکور اشکال ندارد.

۳۳- آیا تیمم بدل از غسل نسبت به امام جماعتی که معذور است، برای اقامه نماز جماعت کافی است؟
اگر شرعاً معذور باشد، می‌تواند با تیمم بدل از غسل، امام جماعت شود و اقتدا به او اشکال ندارد

حکم امام جماعتی که قرائت وی صحیح نیست

۱- آیا در صحت قرائت بین نماز فرادی و نماز مأموم یا امام تفاوت وجود دارد یا اینکه صحت قرائت در هر حال مسأله واحدی است؟

اگر قرائت مکلف صحیح نباشد و قدرت بر یادگیری هم نداشته باشد، نماز او صحیح است، ولی دیگران نمی‌توانند به وی اقتدا کنند.

۲- قرائت بعضی از ائمه جماعات از جهت مخارج حروف صحیح نیست. آیا کسی که حروف را به‌طور صحیح از مخارج خود ادا می‌کند، می‌تواند به آنان اقتدا نماید؟ عده‌ای می‌گویند می‌توانید نماز را به جماعت بخوانید، ولی باید بعداً اعاده نمایید، من که فرصت اعاده ندارم، وظیفه‌ام چیست؟ آیا می‌توانم در نماز جماعت شرکت نموده ولی حمد و سوره را آهسته بخوانم؟
اگر قرائت امام از نظر مأموم صحیح نباشد، اقتدا و نماز جماعت او باطل است و اگر نمی‌تواند نماز را اعاده کند، اقتدا نکردن اشکال ندارد، ولی آهسته خواندن در قرائت نمازی که باید بلند خوانده شود، برای اظهار اقتدا به امام جماعت صحیح و مجزی نیست.

۳- عده‌ای معتقدند که قرائت بعضی از ائمه جمعه صحیح نیست، زیرا یا حروف را آن‌گونه که هست، ادا نمی‌کنند و یا حرکت آن‌ها را طوری تغییر می‌دهند که دیگر آن حرف نیست. آیا اقتدا به آنان بدون اعاده نمازی که پشت سر آنان خوانده می‌شود، صحیح است؟

ملاک صحّت قرائت عبارت است از رعایت قواعد زبان عربی و ادا حروف از مخارج آن به طوری که اهل لسان آن‌را ادا آن حرف بدانند نه حرف دیگر؛ اگر مأموم قرائت امام را مطابق قواعد و صحیح نداند، نمی‌تواند به او اقتدا کند و در صورت اقتداء، نماز او صحیح نیست و اعاده آن واجب است.

۴- اگر امام جماعت در اثنای نماز در کیفیت تلفظ کلمه پس از ادای آن شک کند و بعد از فراغت از نماز علم پیدا کند که در تلفظ آن کلمه اشتباه کرده است، نماز او و مأمومین چه حکمی دارد؟
نماز محکوم به صحّت است.

رعایت محسنات تجوید لازم نیست ولی اگر قرائت امام جماعت از نظر مأموم صحیح نباشد و در نتیجه نماز او را صحیح نداند، نمی‌تواند به او اقتدا کند، لکن شرکت ظاهری در نماز جماعت برای یک غرض عقلایی، اشکال ندارد.

امامت شخص ناقص العضو

۵- اقتدا به معلولین عزیز برای نماز در موارد زیر چه حکمی دارد؟

- ❖ معلولینی که فاقد عضوی از اعضای بدن نیستند ولی به دلیل معیوب بودن پا، با تکیه بر عصا و دیوار می‌توانند بایستند.
 - ❖ معلولینی که فاقد بند انگشت دست یا پا و یا انگشتی از دست یا پا هستند.
 - ❖ معلولینی که همه انگشتان دست یا پا و یا هر دو آن‌ها قطع شده است.
 - ❖ معلولینی که قسمتی از یک دست یا پا و یا هر دو را ندارند.
 - ❖ معلولینی که فاقد یکی از اعضای بدن هستند و به دلیل از کار افتادگی دست، برای وضو گرفتن نایب می‌گیرند.
- به طور کلی اگر استقرار و آرامش در قیام به صورت طبیعی وجود داشته باشد و بتواند آن‌را در حال قرائت حمد و سوره و

ذکرهای نماز و انجام افعال آن حفظ کند و قدرت بر رکوع و سجده داشته باشد و بتواند وضوی صحیح بگیرد، اقتدای دیگران به او در نماز بعد از احراز سایر شرایط امامت جماعت صحیح است و در غیر این صورت محل اشکال است.

۶- من از طلاب علوم دینی هستم که دست راستم بر اثر عمل جراحی قطع شده است. به تازگی متوجه شده‌ام که امام خمینی (قدس سرّه) امامت فرد ناقص برای کامل را جایز نمی‌داند. بنا بر این خواهشمندم حکم نمازهای مأمومینی را که تا به حال امام جماعت آنان بوده‌ام، بیان فرمایید.

نماز مأمومین که در گذشته بر اثر جهل به حکم شرعی به شما اقتدا کرده‌اند، محکوم به صحّت است و اعاده و قضا بر آنان واجب نیست.

۷- من از طلاب علوم دینی هستم که در جریان جنگ تحمیلی بر جمهوری اسلامی ایران از ناحیه پا مجروح و انگشت شست پایم قطع شده است در حال حاضر امام جماعت یکی از حسینیه‌ها هستم، آیا این کار اشکال شرعی دارد؟ لطفاً حکم آنرا بیان فرمایید.

این مقدار نقص در امام، مضرّ به امامت جماعت نیست. بلی در مثل قطع کامل دست یا پا یا فلج آنها امامت محل اشکال است.

اقتدا به اهل سنت

۱- آیا نماز جماعت پشت سر اهل سنت جایز است؟

نماز جماعت برای حفظ وحدت اسلامی، جایز و صحیح است.

۲- محل کار من در یکی مناطق کردنشین است که اکثر ائمه جمعه و جماعات آنجا از اهل سنت هستند، اقتدا به آنها چه

حکمی دارد و آیا غیبت آنها جایز است؟

مشارکت با آنان در نماز جمعه و جماعت‌شان از جهت حفظ وحدت اشکال ندارد، و از غیبت باید پرهیز شود.

۳- در مکان‌های مشارکت و رفت و آمد با برادران اهل سنت، هنگام شرکت در نمازهای روزانه، در بعضی از موارد مانند آنان عمل می‌کنیم، مثل نماز به صورت تکتف و عدم رعایت وقت و سجده بر فرش، آیا این نمازها احتیاج به اعاده دارند؟ اگر حفظ وحدت مقتضی انجام آن کارها باشد، نماز صحیح و مجزی است، حتی اگر سجده بر فرش و مانند آن باشد، ولی تکتف در نماز جایز نیست، مگر این که ضرورت آن را اقتضا کند.

۴- در مکه و مدینه به استناد فتوای امام خمینی (قدس سرّه) نماز جماعت را با برادران اهل سنت می‌خوانیم و گاهی برای درک فضیلت نماز در مسجد مثل ادای نماز عصر یا عشاء بعد از نماز ظهر و مغرب آن را به صورت فرادی در مساجد اهل سنت بدون مهر و با سجده بر فرش به جا می‌آوریم، این نمازها چه حکمی دارد؟ در فرض مذکور اگر با فریضه تقیه، منافات نداشته باشد باید بر چیزی که سجده بر آن صحیح است سجده کند.

۵- مشارکت ما شیعیان در نماز جماعت مساجد کشورهای دیگر با برادران اهل سنت که دست بسته نماز می‌خوانند، چگونه است؟ آیا تبعیت از آنان در تکتف بر ما واجب است یا آن که باید نماز را بدون تکتف بخوانیم؟ اقتدا به اهل سنت، برای رعایت وحدت جایز است و نماز خواندن با آن‌ها صحیح و مجزی است، ولی تکتف واجب نیست و بلکه جایز نیست، مگر در صورتی که ضرورتی آن را اقتضا کند.

تکمیلی نماز جمعه

۱- نظر جناب عالی درباره شرکت در نماز جمعه با توجه به اینکه در عصر غیبت حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سر می‌بریم، چیست؟ اگر افرادی اعتقاد به عدالت امام جمعه نداشته باشند، آیا تکلیف شرکت در نماز جمعه از آنان ساقط می‌شود؟

هرچند نماز جمعه در عصر حاضر واجب تخیری است و حضور در آن واجب نیست، ولی با توجه به فوائد و آثار شرکت در آن، سزاوار نیست که مؤمنین خود را از برکات حضور در این نماز به مجرد تشکیک در عدالت امام جمعه و یا عذرهای واهی دیگر، محروم سازند.

۲- معنای وجوب تخییری در مسأله نماز جمعه چیست؟

معنای آن این است که مکلف در ادای فریضه واجب ظهر روز جمعه بین خواندن نماز جمعه یا نماز ظهر مخیر است.

۳- نظر جنابعالی در مورد شرکت نکردن در نماز جمعه بر اثر بی‌مبالاتی، چیست؟

ترک حضور و شرکت نکردن در نماز عبادی سیاسی جمعه به‌خاطر اهمیت ندادن به آن، شرعاً مذموم است.

۴- بعضی از مردم به‌دلیل عذرهای واهی و گاهی بر اثر اختلاف دیدگاه‌ها، در نماز جمعه شرکت نمی‌کنند، نظر جنابعالی

در این باره چیست؟

نماز جمعه هر چند واجب تخییری است، ولی خودداری از شرکت در آن به‌صورت دائمی وجه شرعی ندارد.

۵- آیا اقامه نماز جماعت ظهر همزمان با اقامه نماز جمعه در مکان دیگری نزدیک محل اقامه نماز جمعه جایز است؟

این کار فی‌نفسه اشکال ندارد و موجب برائت ذمه مکلف از فریضه ظهر جمعه می‌شود، زیرا در عصر حاضر، نماز جمعه واجب تخییری است، ولی با توجه به این که اقامه نماز جماعت ظهر در روز جمعه در مکانی نزدیک محل اقامه نماز جمعه باعث تفرقه صفوف مؤمنین می‌شود و چه بسا در نظر مردم بی‌احترامی و اهانت به امام جمعه و کاشف از بی‌اعتنایی به نماز جمعه است، بنابراین سزاوار است که مؤمنین اقدام به انجام آن نکنند، و حتی در صورتی که مستلزم مفاسد و حرام باشد، واجب است از اقامه آن اجتناب کنند.

۶- آیا خواندن نماز ظهر در فاصله زمانی بین نماز جمعه و نماز عصر، جایز است؟ اگر نماز عصر را شخصی غیر از امام جمعه

بخواند، آیا اقتدا به او در نماز عصر جایز است؟

نماز جمعه مجزی از نماز ظهر است، ولی خواندن آن بعد از نماز جمعه از باب احتیاط اشکال ندارد و اقتدا در نماز عصر روز

جمعه به غیر امام جمعه اشکال ندارد، ولی هر گاه بخواهد با مراعات احتیاط در خواندن نماز ظهر پس از خواندن نماز جمعه نماز

عصر را به جماعت بخواند، احتیاط کامل این است که به کسی اقتدا نماید که نماز ظهر را احتیاطاً بعد از نماز جمعه خوانده است.

۷- اگر امام جمعه نماز ظهر را بعد از نماز جمعه نخواند، آیا مأموم می‌تواند آن را احتیاطاً به‌جا آورد؟

برای او جایز است.

۸- آیا بر امام جمعه کسب اجازه از حاکم شرع واجب است؟ مراد از حاکم شرع چه کسی است؟ و آیا این حکم در شهرهای دور دست هم جاری است؟

اصل جواز امامت برای اقامه نماز جمعه متوقف بر این اجازه نیست، ولی ترتب احکام نصب وی برای امامت جمعه متوقف بر این است که منصوب از طرف ولی امر مسلمین باشد و این حکم شامل هر سرزمین و شهری که ولی امر مسلمین در آن حاکم و مطاع است، می شود.

۹- آیا جایز است امام جمعه منصوب در صورت نبودن مانع یا معارض نماز جمعه را در غیر از مکانی که برای آن جا نصب شده، اقامه نماید؟

این عمل فی نفسه جایز است، ولی احکام انتصاب برای امامت جمعه بر آن مترتب نمی شود.

۱۰- آیا انتخاب امام جمعه موقت باید به وسیله ولی فقیه باشد یا این که خود ائمه جمعه می توانند افرادی را به عنوان امام جمعه موقت انتخاب نمایند؟

جایز است امام جمعه منصوب شخصی را به عنوان جانشین موقت برای خودش انتخاب کند، ولی بر امامت فرد نایب، احکام انتصاب از طرف ولی فقیه مترتب نمی شود.

۱۱- اگر مکلف امام جمعه منصوب را عادل نداند و یادر عدالت او شک داشته باشد، آیا برای حفظ وحدت مسلمانان می تواند به او اقتدا کند؟ آیا کسی که در نماز جمعه شرکت نمی کند، جایز است دیگران را تشویق به عدم حضور در آن نماید؟ اقتدا به کسی که او را عادل نمی داند و یا در عدالت وی شک دارد، صحیح نیست و نماز جماعت او هم صحیح نمی باشد، ولی حضور و شرکت در نماز جماعت برای حفظ وحدت اشکال ندارد، و در هر صورت حق ندارد دیگران را ترغیب و تشویق به عدم حضور در نماز جمعه کند.

۱۲- شرکت نکردن در نماز جمعه که برای مکلف دروغ گویی امام جمعه آن ثابت شده است، چه حکمی دارد؟

مجرد کشف خلاف چیزی که امام جمعه گفته، دلیل بر دروغ گویی او نیست، زیرا ممکن است گفته او از روی اشتباه یا خطا

و یا توریه باشد، و سزاوار نیست انسان به مجرد توهم خروج امام جمعه از عدالت، خود را از برکات نماز جمعه محروم نماید.

۱۳- خطیب مسجد جامع جعفری در راولپندی اعلام نموده که نماز جمعه به علت کارهای ساختمانی در آن برگزار نخواهد شد، و اکنون که عملیات تعمیر مسجد به پایان رسیده، با مشکلی مواجه شده‌ایم و آن این که در فاصله چهار کیلومتری ما نماز جمعه در مسجد دیگری اقامه می‌شود. با توجه به مسافت مزبور آیا اقامه نماز جمعه در مسجد جامع جعفری صحیح است یا خیر؟ اگر فاصله بین دو نماز جمعه یک فرسخ شرعی نباشد، نماز جمعه‌ای که بعد از نماز جمعه اول برگزار می‌شود، باطل است و در صورتی که مقارن هم اقامه شوند هر دو باطل می‌باشند.

۱۴- آیا خواندن نماز جمعه که به صورت جماعت اقامه می‌شود، به طور فرادی صحیح است؟ بدین معنی که شخصی نماز جمعه را به صورت فرادی در کنار کسانی که آن را به نحو جماعت برگزار می‌کنند، بخواند.

از شرایط صحّت نماز جمعه، این است که به صورت جماعت اقامه شود. نماز جمعه به نحو فرادی صحیح نیست.

۱۵- کسی که نمازش شکسته است آیا می‌تواند آن را به صورت جماعت پشت سر امام جمعه بخواند؟

نماز جمعه از مأموم مسافر صحیح و مجزی از نماز ظهر است.

۱۶- آیا ذکر نام مبارک حضرت زهرا (سلام الله علیها) به عنوان یکی از ائمه مسلمانان در خطبه دوم نماز جمعه واجب است؟

یا اینکه واجب است ذکر نام آن حضرت به قصد استحباب باشد؟

عنوان ائمه مسلمین شامل حضرت زهرا (علیها السلام) نمی‌شود و ذکر نام مبارک آن حضرت در خطبه نماز جمعه واجب نیست، ولی تبرک جستن به ذکر نام شریف آن حضرت اشکال ندارد، بلکه امری پسندیده و موجب اجر و ثواب است.

۱۷- در حالی که امام جمعه نماز جمعه را اقامه می‌کند، آیا مأموم می‌تواند برای خواندن نماز واجب دیگری به او اقتدا نماید؟

صحّت آن، محل اشکال است.

۱۸- آیا خواندن خطبه‌های نماز جمعه قبل از وقت ظهر شرعی صحیح است؟

خواندن آن قبل از زوال جایز است، ولی احتیاط آن است که قسمتی از آن در وقت ظهر باشد.

۱۹- اگر مأوم چیزی از خطبه‌های نماز جمعه را درک نکند، بلکه فقط هنگام نماز حاضر شود و به امام جمعه اقتدا نماید.

آیا نماز او صحیح و مجزی است؟

نماز او صحیح و مجزی است، حتی اگر امام را در رکوع رکعت آخر نماز جمعه درک کند.

۲۰- نماز جمعه در شهر ما یک ساعت و نیم بعد از اذان ظهر اقامه می‌شود، آیا این نماز مجزی از نماز ظهر است یا این که

اعاده آن لازم است؟

وقت نماز جمعه از اول زوال خورشید شروع می‌شود و احوط آن است که از اوائل عرفی زوال در حدود یکی دو ساعت

به تأخیر نیفتد.

۲۱- کسی که توانایی رفتن به نماز جمعه را ندارد، آیا می‌تواند نماز ظهر و عصر را در اوائل وقت بخواند یا این که باید صبر

کند تا نماز جمعه تمام شود و بعد از آن نماز ظهر و عصر را بخواند؟

صبر کردن بر او واجب نیست و می‌تواند نماز ظهر و عصر را در اول وقت بخواند.

۲۲- اگر امام جمعه منصوب، سالم و حاضر در محل برگزاری نماز جمعه باشد، آیا جایز است، که امام جمعه موقت را

مکلف به اقامه نماز جمعه نماید؟ آیا صحیح است به امام جمعه موقت اقتدا کند؟

اقامه نماز جمعه به امامت نایب امام جمعه منصوب و اقتدای امام منصوب به نایب خود اشکال ندارد

تکمیلی نماز مسافر

مسافر با «هشت شرط» باید نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت به جا آورد (فتوای مراجع معظم مختلف است و فتاوی ذیل

الذکر براساس فتوای آیت الله مکارم و استفتائات براساس نظریه مقام معظم رهبری است)

شرط اول- سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی نباشد

۱- کسی که رفتن و برگشتن او هشت فرسخ (حدود ۳۴ کیلومتر) است باید نماز را شکسته بخواند، خواه رفتنش چهار فرسخ

(۵/۱۲ کیلومتر تقریباً) باشد یا کمتر یا بیشتر، همین اندازه که رفتن و برگشتن او هشت فرسخ باشد نماز شکسته است؛ و خواه در همان روز و شب برگردد یا فاصله‌ای بیفتد، مگر این که در بین این مسافت، ده روز قصد اقامه کند.

۲- اگر شک دارد سفر او هشت فرسخ است یا نه، نباید نماز را شکسته بخواند؛ ولی در صورت شک باید از کسانی که به آن راه آشنا هستند تحقیق کند، مگر این که مشقت زیادی داشته باشد.

۳- مقدار مسافت را از راه‌های مختلف می‌توان دریافت؛ نخست این که خودش اندازه‌گیری کرده و یقین حاصل کند، دوم این که در میان مردم معروف باشد، سوم این که شخص مورد اعتمادی خبر دهد.

شرط دوم- از اول، قصد هشت فرسخ را داشته باشد

۱- اگر اول می‌خواهد به محلی که کمتر از هشت فرسخ است برود و در وسط راه یا پس از رسیدن به آن مقصد قصد کند مسافرت خود را ادامه دهد به طوری که مجموع مسافرت او هشت فرسخ باشد، چون از اول قصد نداشته، باید نماز را تمام بخواند؛ ولی اگر در اثنا، یا پس از رسیدن به مقصد قصد کند از آن جا هشت فرسخ یا بیشتر برود، نماز او شکسته است.

۲- کسی که به دنبال گمشده‌ای می‌رود و نمی‌داند چه مقدار باید برود تا مقصود خود را پیدا کند، باید نماز را تمام بخواند؛ ولی در برگشتن چنانچه تا وطن یا محل اقامتش هشت فرسخ یا بیشتر باشد نماز او شکسته است.

شرط سوم- در بین راه از قصدش برنگردد

۱- اگر پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد، یا مردد شود باید نماز را تمام بخواند؛ اما اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ از مسافرت خود منصرف شود، باید نماز را شکسته بخواند، مگر این که مردد در ماندن و برگشتن باشد و یا بخواهد همان جا ده روز بماند.

شرط چهارم- قبل از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود عبور نکند و نخواهد ده روز یا بیشتر در اثناء راه توقف کند

۱- اگر مسافر به وطن خود وارد شود، سفر او قطع می‌گردد؛ و همچنین اگر به محل اقامه ده روز برسد، حتی اگر تردید دارد که از وطنش بگذرد یا در جایی ده روز اقامه کند، باز هم نماز او تمام است.

شرط پنجم- سفر او برای کار حرامی نباشد

- ۱- اگر به قصد دزدی، خیانت، یا کار حرام دیگری سفر کند، باید نماز را تمام بخواند، همچنین اگر خود سفر حرام باشد مثل این که چنان مسافرتی برای بدن او ضرر قابل ملاحظه‌ای دارد، یا زن بدون اجازه شوهر سفر کند (بنابر احتیاط واجب) یا فرزند با نهدی پدر و مادر سفر نماید به طوری که مایه اذیت آن‌ها شود، باید نماز را تمام بخواند؛ ولی اگر سفر واجبی مانند حج واجب بوده باشد رضایت شوهر و پدر و مادر شرط نیست و نماز شکسته است.
- ۲- هرگاه خود سفر حرام نباشد و به منظور کار حرامی نیز سفر نمی‌کند، ولی در اثناء سفر، معصیت یا معصیت‌هایی انجام می‌دهد، مثل این که در سفر شراب بخورد، یا غیبت کند و به مردم ظلم نماید، نماز او شکسته است.
- ۳- هرگاه برای فرار از انجام کار واجبی مسافرت نماید، مثل این که بدهکار است و می‌تواند بدهی خود را بدهد و طلبکار هم مطالبه می‌کند، اما او برای فرار از پرداخت بدهی مسافرت نماید، باید نماز را تمام به‌جا آورد، ولی اگر چنین قصدی را ندارد باید نماز را شکسته بخواند.

شرط ششم- از صحرائشین‌های خانه به‌دوش نباشد

- ۱- «صحرائشین‌های خانه به‌دوش» که وطن خاصی ندارند و هر جا آب و خوراک برای خود و حیوانات‌شان فراهم باشد توقف می‌کنند، باید در این مسافرت‌ها نمازشان را تمام بخوانند و روزه را بگیرند.
- ۲- هرگاه صحرائشین خانه به‌دوش مانند مردم دیگر برای زیارت خانه خدا، یا تجارت، یا مسافرت دیگری غیر از آن مسافرت که جزء زندگی اوست برود باید نماز را شکسته بخواند.

شرط هفتم- شغل و کار او مسافرت نباشد

- ۱- راننده‌ها، خلبان‌ها، کشتیان‌ها و ساریان‌ها و مانند آن‌ها که سفر شغل آن‌ها است باید نماز را تمام بخوانند (ولی در آغاز کار بنا بر احتیاط، دو سه روز اول را جمع بخوانند) (فتوای مراجع مختلف است)

۲- کسی که شغلش مسافرت نیست، ولی مسافرت مقدمه شغل اوست، مانند معلم و کارگر و کارمندی که خودش ساکن شهری است و همه روز برای انجام کار به نقطه دیگری می‌رود که رفت و آمد او هشت فرسخ یا بیشتر است، باید نماز را تمام بخواند و روزه را بگیرد، ولی در آغاز کار بنا بر احتیاط، دو سه روز اول را جمع بخواند.

۳- کسی که شغلش مسافرت است اگر برای کار دیگری غیر از شغل خود (مثلاً برای حج یا زیارت یا مقصد دیگری) مسافرت کند، باید مانند سایر مسافران نماز را شکسته بخواند، ولی اگر راننده‌ای اتومبیل خود را برای زیارت کرایه دهد و در ضمن خودش هم زیارت کند باید نماز را تمام بخواند.

شرط هشتم - به حد ترخص برسد

۱- «حد ترخص» یعنی از وطن یا محل اقامتش به اندازه‌ای دور شود که صدای اذان شهر را نشنود و مردم شهر او را نبینند، اما دیدن و ندیدن دیوارهای شهر اثری ندارد، ولی باید در هوا گرد و غبار یا مه یا چیز دیگری که مانع دیدن است یا سر و صدایی که مانع شنیدن است وجود نداشته باشد؛ و اگر یکی از این دو علامت حاصل شود کافی است، به شرط این که یقین به نبودن دیگری نداشته باشد، و الا احتیاط جمع میان نماز شکسته و تمام است.

۲- معیار در شهرها شهرهای معمولی است و اگر شهری زیاد در گودی یا در بلندی قرار گرفته باشد باید مطابق شهرهای معمولی با آن رفتار کرد، یعنی ببینیم چه اندازه مسافت سبب می‌شود که در شهرهای معمولی انسان صدای اذان شهر را نشنود و اهالی شهر او را نبینند.

۳- هرگاه شك کند به حد ترخص رسیده یا نه، یا نداند صدایی را که می‌شنود صدای اذان است یا صدای دیگر، باید نماز را تمام بخواند، اما اگر بفهمد صدای اذان است ولی کلمات آن قابل تشخیص نباشد احتیاط جمع است.

استفتائات

- ۱- آیا وجوب قصر بر مسافر شامل همه نمازهای فریضه می‌شود یا اختصاص به بعضی از آنها دارد؟
وجوب قصر فقط در خصوص نمازهای روزانه چهار رکعتی است که عبارت از نمازهای ظهر و عصر و عشاء است و نماز صبح و مغرب قصر نمی‌شود.
- ۲- در رساله عملیه امام خمینی (ره) در بحث نماز مسافر، شرط هفتم، آمده است: «واجب است راننده در غیر از سفر اول نماز خود را تمام بخواند ولی در سفر اول نمازش شکسته است هر چند طولانی باشد، آیا مقصود از سفر اول همان شروع حرکت از وطن تا بازگشت به آن است یا با رسیدن به مقصد سفر اول تمام می‌شود؟
اگر رفت و برگشت در نظر عرف، یک سفر محسوب شود مثل استادی که از وطن برای تدریس به شهری سفر کرده و هنگام عصر یا فردای آن روز به مبداء بر می‌گردد، در این صورت، رفت و برگشت سفر اول محسوب می‌شود. و در صورتی که عرفاً یک سفر نباشد مثل راننده‌ای که برای حمل کالا به مقصدی حرکت کرده و از آن جا به مکان دیگری برای حمل مسافر یا کالای جدید سفر نماید و سپس به وطن مراجعت می‌کند که در این فرض، سفر اول با رسیدن به مقصد، تمام می‌شود.
- ۳- کسی که سفر مقدمه شغل اوست، آیا در سفر نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است یا آن که این حکم اختصاص به کسی دارد که شغل او حتماً مسافرت باشد؟ این گفته مرجع تقلید حضرت امام خمینی (قدس سرّه) که می‌فرماید: کسی که شغل او مسافرت است چه معنایی دارد؟ آیا کسی یافت می‌شود که خود سفر شغل او باشد؟ زیرا چوپان و راننده و ملوان و غیر آنها هم کارشان چوپانی و رانندگی و کشتی‌رانی است و اصولاً کسی که سفر را به عنوان شغل خود برگزیده باشد، وجود ندارد.
کسی که سفر مقدمه کار او است، اگر در خلال هر ده روز حداقل یک‌بار برای کار به محل کارش رفت و آمد نماید، نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است، و در کلمات فقها (رضوان الله علیهم) مراد از کسی که شغل او مسافرت است، کسی است که قوام کار او به سفر است مانند شغل‌هایی که در سؤال ذکر شده است.
- ۴- نظر حضرت‌تعالی درباره نماز و روزه کسانی که به مدت معینی بیش از یک‌سال در شهری برای کار اقامت می‌کنند و یا

سربازانی که به مدت یک یا دو سال برای انجام خدمات سربازی در شهری می‌مانند، چیست؟ آیا بعد از هر سفری باید قصد اقامت ده روز کنند تا نمازشان تمام و روزه آن‌ها صحیح باشد؟ و اگر قصد ماندن کمتر از ده روز را داشته باشند، نماز و روزه آن‌ها چه حکمی دارد؟

اگر حداقل هر ده روز یک‌بار به خاطر شغل‌شان به محل کار سفر می‌کنند، در غیر سفر اول و دوم نمازشان تمام و روزه‌شان صحیح است، ولی در سفر اول و دوم، حکم سایر مسافری را دارند، یعنی تا قصد اقامت ده روز را نکرده‌اند، نماز آنان شکسته است و روزه‌شان صحیح نیست.

۵- نماز و روزه خلبانان هواپیماهای جنگی که بیشتر روزها از پایگاه‌های هوایی‌شان اقدام به پرواز کرده و مسافتی بسیار بیشتر از مسافت شرعی را می‌پیمایند و مرتب این عمل را تکرار می‌کنند، چه حکمی دارد؟
حکم آنان همان حکم سایر رانندگان و ملوانان و خلبانان هواپیماهاست، یعنی نماز آن‌ها در سفر تمام و روزه‌شان صحیح است.

۶- آیا قبیله‌هایی که یک یا دو ماه از قشلاق به بیلاق یا بر عکس منتقل می‌شوند، ولی بقیه سال را در بیلاق یا قشلاق به سر می‌برند، دارای دو وطن هستند؟ مسافرت‌هایی که در ایام اقامت خود در یکی از این دو مکان به مکان دیگر انجام می‌دهند، از جهت قصر یا تمام بودن نماز چه حکمی دارد؟

اگر قصد نقل و انتقال همیشگی از بیلاق به قشلاق و بر عکس را دارند تا روزهایی از سال را در یکی و روزهایی را در دیگری بگذرانند و هر دو مکان را برای زندگی دائمی خود انتخاب کرده باشند، هر یک از آن دو مکان وطن آنان محسوب می‌شود و بر آنان در آن دو مکان حکم وطن جاری می‌گردد، و اگر فاصله بین آن دو به مقدار مسافت شرعی باشد، در راه سفر از یکی به دیگری، حکم سایر مسافری را دارند.

۷- من کارمند یکی از ادارات دولتی شهر هستم. فاصله بین محل کار و محل سکونت من حدود سی و پنج کیلومتر است که هر روز این مسیر را برای رسیدن به محل کار طی می‌کنم. اگر برای کار خاصی قصد کنم چند شب در شهر بمانم، نمازم چه حکمی دارد، آیا واجب است نماز را تمام بخوانم یا خیر؟ به عنوان مثال هنگامی که در روز جمعه برای زیارت اقوام به شهر سمنان مسافرت می‌کنم، آیا واجب است نمازم را تمام بخوانم یا خیر؟

اگر مسافرت به خاطر کاری که هر روز برای آن سفر می کنید، نباشد، حکم سفر شغلی را ندارد، ولی اگر سفر به خاطر شغلی که در محل کار دارید، باشد و در ضمن آن، اعمال خاصی از قبیل دیدن اقوام و دوستان را هم انجام می دهید و گاهی یک یا چند شب هم در آن جا می مانید، باعث تغییر حکم سفر شغلی نمی شود و نماز تمام و روزه صحیح است.

۸- اگر من در محل کارم پس از پایان وقت اداری و انجام کارهای اداری که به خاطر آن مسافرت کرده ام، به انجام کارهای شخصی پردازم. مثلاً از ساعت هفت صبح تا دو بعد از ظهر کارهای اداری را انجام دهم و از آن به بعد مشغول انجام کارهای شخصی شوم، نماز و روزه ام چه حکمی دارد؟

انجام کارهای خصوصی در سفر شغلی اداری بعد از پایان کار اداری، حکم سفر شغلی را تغییر نمی دهد.

۹- نماز و روزه سربازانی که می دانند بیش از ده روز در مکانی می مانند، ولی از خود اختیاری ندارند، چه حکمی دارد؟ (امیدواریم فتوای حضرت امام (قدس سرّه) را هم بیان فرمایید.)

با اطمینان به این که ده روز یا بیشتر در یک مکان خواهند ماند، واجب است که نماز خود را تمام بخوانند و روزه بگیرند. فتوای امام (قدس سرّه) هم همین است.

۱۰- نماز و روزه نیروهای کادری که در استخدام ارتش یا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند و بیشتر از ده روز در پادگان و بیشتر از ده روز در مناطق مرزی می مانند، چه حکمی دارد؟ خواهشمندم فتوای حضرت امام (قدس سرّه) را هم بیان فرمایید. اگر قصد اقامت ده روز یا بیشتر را در مکانی دارند و یا می دانند که ده روز یا بیشتر از آن مقدار در آن جا خواهند ماند، واجب است که نماز خود را تمام بخوانند و روزه هم بگیرند. فتوای امام (قدس سرّه) هم همین است.

۱۱- اگر ماشین راننده ای بر اثر حادثه ای برای مدتی متوقف شود و راننده بدون ماشین برای خرید لوازم به جاهای دیگر مسافرت کند، حکم نماز فرد چیست؟

اگر در این سفر شغل رانندگی نباشد و عرف هم این سفر را سفر شغلی داند حکم مسافران دیگر را دارد و نماز شکسته است.

حکم دانشجویان و روحانیون

۱۲- دانشجویانی که هر هفته حداقل دو روز برای تحصیل مسافرت می کنند و یا کارمندانی که هر هفته برای کارشان سفر می کنند، چه حکمی دارند؟

با توجه به این که آن‌ها هر هفته مسافرت می نمایند، ولی امکان دارد به خاطر تعطیلی دانشگاه یا کارشان به مدت یک ماه در وطن اصلی خود بمانند و در خلال آن مدت مسافرتی نمی کنند، آیا بعد از گذشت یک ماه که سفر خود را دوباره آغاز می کنند، نمازشان در سفر اول طبق قاعده شکسته و بعد از آن تمام است؟

در سفر برای تحصیل علم، نماز شکسته است و روزه هم صحیح نیست، اعم از این که سفرشان هفتگی باشد یا روزانه. ولی کسی که برای کار آزاد یا اداری، مسافرت می کند، اگر بین وطن یا محل سکونت و محل کارش هر ده روز حداقل یک مرتبه رفت و آمد نماید، باید از سفر سوم به بعد نماز خود را تمام بخواند و روزه او هم صحیح است، و اگر بین دو سفری که برای کار کردن می رود، ده روز در وطن یا جای دیگری بماند، در سفر اولی که بعد از اقامت ده روزه برای کار کردن می رود، نمازش شکسته است و نمی تواند روزه بگیرد.

۱۳- دبیر شاغل در شهرستان رفسنجان می باشم با توجه به پذیرفته شدن در مرکز عالی ضمن خدمت و مأموریت به تحصیلی آموزش و پرورش، سه روز ابتدای هفته را در شهرستان کرمان اشتغال به تحصیل دارم و بقیه ایام هفته را در شهرستان خود به خدمت مشغولم، نظر حضرت تعالی در مورد احکام نماز و روزه اینجانب چه می باشد، آیا حکم دانشجو بودن بر ما جاری است یا خیر؟

اگر مأمور به تحصیل هستید نماز شما تمام است و می توانید روزه بگیرید.

۱۴- اگر یکی از طلاب علوم دینی قصد داشته باشد تبلیغ را شغل خود قرار دهد، آیا با این فرض می تواند در سفر نماز خود را تمام بخواند و روزه هم بگیرد؟ اگر شخصی برای کاری غیر از تبلیغ و ارشاد یا امر به معروف و نهی از منکر مسافرت نماید، نماز و روزه اش چه حکمی دارد؟

اگر عرفاً تبلیغ و ارشاد یا امر به معروف و نهی از منکر شغل و کار او محسوب شود، در سفر برای انجام آن کارها حکم مسافری را دارد که به خاطر شغل و کارش سفر می‌کند، و اگر زمانی برای کاری غیر از ارشاد و تبلیغ مسافرت کرد، در آن سفر مانند سایر مسافران نمازش شکسته است و روزه او صحیح نیست.

۱۵- کسانی که مدت غیر معینی مسافرت می‌کنند مانند طلاب علوم دینی که برای درس خواندن به حوزه علمیه می‌روند و یا کارمندان دولت که برای کار به مدت غیر معینی به شهری اعزام می‌شوند، نماز و روزه این افراد چه حکمی دارد؟
بر محل تحصیل یا کار حکم وطن مترتب نیست، مگر آن که آن قدر آن جا بمانند که عرفاً وطن آن‌ها محسوب شود.
۱۶- طلبه علوم دینی در شهری که وطن او نیست زندگی می‌کند، اگر قبل از قصد اقامه ده روز می‌دانسته و یا قصد داشته که به طور هفتگی به مسجدی که بیرون شهر واقع است برود، آیا می‌تواند قصد اقامت ده روز کند یا خیر؟
ج: هنگام قصد اقامت، قصد رفتن به کمتر از مسافت شرعی به مدت شش، هفت ساعت در مجموع ایام اقامت ضرر به صحت قصد اقامت نمی‌زند و تشخیص این که مقصدی که قصد رفتن به آن جا را دارد، آیا داخل در محل اقامت هست یا خیر، موکول به نظر عرف است.

قصد اقامت و مسافت شرعی

۱۷- من در جایی کار می‌کنم که کمتر از مسافت شرعی با شهر مجاور فاصله دارد و چون هیچ‌یک از دو مکان، وطن من نیست، لذا در محل کارم قصد اقامت ده روز می‌کنم تا نمازم را تمام خوانده و بتوانم روزه بگیرم، و هنگامی که در محل کارم قصد اقامت ده روز می‌کنم، در خلال آن مدت و بعد از آن قصد رفتن به شهر مجاور نمی‌کنم، حکم شرعی من در حالت‌های زیر چیست؟

۱۷-۱- اگر قبل از پایان ده روز به خاطر حادثه‌ای یا کاری به آن شهر بروم و بعد از تقریباً دو ساعت، به محل کارم برگردم؟

۱۷-۲- اگر بعد از پایان ده روز به قصد رفتن به محله معینی به آن شهر بروم و از مقدار مسافت شرعی تجاوز نکنم و بعد از

یک شب توقف، به محل اقامتم برگردم؟

اگر از ابتداء، قصد خروج نداشته باشید، بعد از استقرار حکم تمام بودن نماز در محل اقامت هر چند با خواندن حداقل یک نماز چهار رکعتی در آنجا باشد، خارج شدن از آنجا به مقدار کمتر از مسافت شرعی، در یک یا چند روز، به قصد اقامت ضرر نمی‌رساند، و در این صورت فرقی نمی‌کند که خروج قبل از پایان ده روز باشد یا بعد از آن، و تا مسافرت جدیدی انجام نشده، نماز تمام و روزه صحیح است.

۳-۱۷- بعد از پایان ده روز به قصد رفتن به محله معینی به آن شهر بروم، ولی بعد از رسیدن به آن محله، تصمیم به رفتن به محله دیگری که با محل اقامت من بیشتر از مسافت شرعی فاصله دارد، بگیرم؟

رفتن به محله‌های دیگر شهر محل اقامت، هر چند با محله قصد اقامت به مقدار مسافت شرعی فاصله داشته باشد، به قصد اقامت و حکم آن ضرر نمی‌رساند، ولی اگر پس از قصد اقامت در شهری به شهر دیگری که با شهر محل اقامت به مقدار مسافت شرعی فاصله دارد برود، قصد اقامت قبلی وی به هم می‌خورد و بعد از برگشت به محل اقامت، باید دوباره قصد نماید.

۱۸- اگر مسافر بعد از خروج از وطن، از راهی عبور کند که صدای اذان وطن اصلی خود را بشنود و یا دیوار خانه‌های آن را ببیند، آیا به مسافت شرعی ضرر می‌رساند؟

تا از وطن خود عبور نکرده، ضرری به مسافت شرعی نمی‌رساند و مسافرتش قطع نمی‌شود، ولی تا در داخل محدوده بین وطن و حد ترخص آن هست، حکم مسافر بر او جاری نمی‌شود.

۱۹- محل کار من که در آنجا سکونت هم دارم، غیر از وطن اصلی‌ام است و با آن بیش از مسافت شرعی فاصله دارد، و محل کارم را هم وطن خود قرار نداده‌ام و امکان دارد فقط برای چندین سال در آنجا بمانم. گاهی از آنجا برای انجام مأموریت اداری به مدت دو یا سه روز در ماه خارج می‌شوم، آیا هنگامی که از شهری که در آن سکونت دارم به مقداری بیش از مسافت شرعی خارج شده و بر می‌گردم، واجب است در بازگشت قصد اقامت ده روز کنم یا خیر؟ و اگر قصد اقامت ده روز واجب است، تا چه مسافتی می‌توانم به اطراف شهر بروم؟

اگر از شهری که در آن سکونت دارید، به مقدار مسافت شرعی خارج شوید، هنگام مراجعت باید دوباره قصد اقامت ده روز نمایید، و در صورتی که قصد اقامت ده روز به طور صحیح تحقق پیدا کرد و حکم تمام خواندن نماز هر چند با خواندن حداقل یک نماز چهار رکعتی محقق شد، خروج به کمتر از مسافت شرعی ضرری به حکم اقامت نمی‌زند، همچنان که در خلال ده روز قصد خروج به باغ‌ها و مزرعه‌های محل اقامت، به قصد اقامت آسیبی نمی‌رساند.

۲۰- اگر شخصی برای چندین سال در چهار کیلومتری وطنش باشد و هر هفته به خانه‌اش برود، هنگامی که این شخص به محلی مسافرت کند که فاصله آن با وطنش بیست و پنج کیلومتر و با مکانی که چندین سال در آن درس خوانده است، بیست و دو کیلومتر است، نماز او چه حکمی دارد؟
اگر از وطنش به آن‌جا مسافرت کند، نماز قصر است.

۲۱- مسافری قصد رفتن به سه فرسخی را دارد، ولی از ابتدا در نظر دارد که در بین راه از راه فرعی برای انجام کار معینی به یک فرسخی برود و سپس به مسیر اصلی برگشته و به سفر خود ادامه دهد، نماز و روزه این مسافر چه حکمی دارد؟
ج: حکم مسافر را ندارد و ضمیمه کردن مقدار راهی که با خروج از مسیر اصلی و بازگشت به آن پیموده، برای تکمیل مسافت شرعی کافی نیست.

۲۲- با توجه به فتوای امام خمینی (قدس سرّه) مبنی بر وجوب قصر نماز و افطار هنگام سفر به هشت فرسخی، اگر مقدار رفتن کمتر از چهار فرسخ باشد، ولی در بازگشت، به علت مشکلات راه و نبودن ماشین، مجبور به پیمودن مسافتی بیش از شش فرسخ شود، آیا باید نماز را شکسته خواند و روزه را افطار کرد؟

اگر رفتن کمتر از چهار فرسخ باشد و مسیر بازگشت هم به مقدار مسافت شرعی نباشد، نماز تمام و روزه صحیح است.

۲۳- کسی که از محل سکونت خود به محل دیگری که کمتر از مسافت شرعی است، سفر کند و در خلال ایام هفته چندین بار از آن محل به محله‌های دیگر برود، به طوری که مجموع مسافت بیش از هشت فرسخ شود، چه وظیفه‌ای دارد؟
اگر هنگام خارج شدن از منزل قصد پیمودن مسافت شرعی را نداشته و فاصله بین مقصد اول و محله‌های دیگر هم به مقدار مسافت شرعی نباشد، حکم مسافر را ندارد.

۲۴- اگر انسان به قصد رفتن به مکان معینی از شهر خود خارج شود و در آنجا به گردش بپردازد، آیا این گردش جزء مسافتی که از منزل پیموده، محسوب می‌شود؟
گردش در مقصد جزء مسافت محسوب نمی‌شود.

۲۵- آیا هنگام قصد اقامت، جایز است نیت خروج از محل اقامت به محل دیگری را که کمتر از چهار فرسخ با آن فاصله دارد بنمائیم؟

قصد خروج از محل اقامت به اندازه کمتر از مسافت شرعی اگر به صدق اقامت ده روز ضرر نزند مثل بیرون رفتن از آنجا به مدت چند ساعت از روز یا شب برای یک بار یا چند بار به شرطی که مجموع ساعات خروج از شش، هفت ساعت بیشتر نشود، در این صورت، قصد خروج به قصد اقامت لطمه نمی‌زند.

به مجرد خارج شدن از محل کار به مقدار کمتر از مسافت شرعی، هر چند ارتباطی با کار روزانه شما نداشته باشد، حکم نماز و روزه شما در محل کار تغییر نمی‌کند، و فرقی هم نمی‌کند که قبل از ظهر به محل کارتان برگردید یا بعد از ظهر.

۲۶- من هر هفته برای زیارت حضرت معصومه (سلام الله علیها) و انجام اعمال مسجد جمکران به شهر قم مسافرت می‌کنم، آیا در این سفر نمازم را تمام بخوانم یا شکسته؟
در این سفر حکم سایر مسافرین را دارید و نماز شما قصر است.

۲۷- محل تولد من شهر کاشمر است و از سال ۱۳۴۵ هجری شمسی تا سال ۱۳۹۶ ساکن تهران بوده‌ام و آنجا را وطن برای خود انتخاب کردم، و مدت سه سال است که همراه با خانواده‌ام برای مأموریت اداری به بندرعباس آمده و کمتر از یک سال دیگر به شهر تهران که وطن من است، باز خواهم گشت. با توجه به این که در مدتی که در بندرعباس هستم، هر لحظه امکان دارد برای مأموریت به شهرهای تابع بندرعباس بروم و مدتی در آنجا بمانم و زمان مأموریت‌های اداری هم که به من ارجاع می‌شود، قابل پیش بینی نیست، خواهشمندم :
اولاً: حکم نماز و روزه مرا بیان فرمایید.

ثانیاً: با توجه به این که در اغلب اوقات یا در بعضی از ماه‌های سال برای چند روز در مأموریت اداری به سر می‌برم، آیا کثیر السفر محسوب می‌شوم یا خیر؟

ثالثاً: با توجه به این که همسرم خانه‌دار و متولد تهران است و با من به بندرعباس آمده و ساکن آن شده است، حکم شرعی نماز و روزه وی چیست؟

نماز و روزه شما در محل کار فعلی‌تان که وطن شما نیست، حکم نماز و روزه مسافر را دارد، یعنی نماز شکسته است و روزه‌تان صحیح نیست، مگر آن که در آن جا قصد اقامت ده روز کنید و یا در هر ده روز حداقل یک بار به خاطر کاری که مربوط به وظیفه شما است، مسافرت نمایید؛ و اما همسرتان که در محل کار همراه شما است، اگر قصد اقامت ده روز کرده باشد، نماز وی تمام و روزه‌اش صحیح است و در غیر این صورت نمازش شکسته است و نمی‌تواند روزه بگیرد.

۲۸- شخصی قصد اقامت ده روز در جایی کرده است، به خاطر این که می‌دانسته که ده روز در آن جا می‌ماند و یا تصمیم بر ماندن داشته است ولی بعد از آن که با خواندن یک نماز چهار رکعتی، حکم تمام خواندن نماز بر او مترتب شد، مسافرتی غیر ضروری برای وی پیش می‌آید، آیا رفتن به آن سفر برای او جایز است؟
سفر او اشکال ندارد، هر چند غیر ضروری باشد.

۲۹- اگر فردی برای زیارت حرم امام رضا (علیه‌السلام) مسافرت نماید و با آن که می‌داند کمتر از ده روز در آن جا خواهد ماند ولی برای این که نمازش تمام باشد، قصد اقامت ده روز می‌کند، این کار او چه حکمی دارد؟

اگر می‌داند که در آن جا ده روز نمی‌ماند، قصد اقامت ده روز معنا و اثری ندارد و باید در آن جا نمازش را شکسته بخواند.
۳۰- مأمورین غیر محلی که هیچ‌گاه ده روز در شهر محل کار نمی‌مانند، ولی مسافرت آنان کمتر از مسافت شرعی است، از جهت تمام یا شکسته بودن نماز چه وظیفه‌ای دارند؟

اگر فاصله بین وطن و محل کار آن‌ها به مقدار مسافت شرعی ولو تلیقیماً نباشد، احکام مسافر را ندارند و کسی که بین وطن و محل کارش به مقدار مسافت شرعی فاصله باشد، اگر حداقل هر ده روز یک بار بین آن دو رفت و آمد می‌کند، در ابتدای امر از سفر سوم نمازش را باید تمام بخواند، ولی هر گاه ده روز یا بیشتر در وطن یا محل کار اقامت کند، در سفر اول بعد از ده روز، حکم سایر مسافرین را خواهد داشت.

۳۱- کسی که به جایی مسافرت کرده و نمی‌داند چه مقدار در آنجا خواهد ماند، ده روز یا کمتر، چگونه باید نماز بخواند؟
وظیفه شخص مردد تا سی روز قصر است و از آن به بعد باید نمازش را تمام بخواند، هر چند در همان روز بخواند برگردد.

حد ترخص

۳۲- در آلمان و بعضی از کشورهای اروپایی، گاهی فاصله بین بعضی از شهرها (یعنی فاصله تابلوهای خروجی شهری و ورودی شهر دیگر) به صد متر نمی‌رسد، حتی بعضی از خانه‌ها و خیابان‌های دو شهر کاملاً به هم متصل هستند، حد ترخص این موارد چگونه است؟

با فرض اتصال یکی از دو شهر به دیگری به نحوی که در سؤال آمده است، آن دو، حکم دو محله یک شهر را دارند که خروج از یکی به دیگری مسافرت محسوب نمی‌شود تا نیاز به حد ترخص باشد.

۳۳: معیار حد ترخص شنیدن اذان و دیدن دیوارهای شهر است، آیا یکی از آن دو کافی است یا اینکه باید هر دو با هم وجود داشته باشند؟

احوط، رعایت هر دو علامت است، هر چند بعید نیست که شنیده نشدن اذان برای تعیین حد ترخص کافی باشد.

۳۴- آیا معیار حد ترخص شنیدن صدای اذان از خانه‌های طرفی است که مسافر از آن طرف شهر خارج یا داخل آن می‌شود، یا اینکه معیار اذان وسط شهر است؟

معیار، شنیدن اذان آخر شهر از طرفی است که مسافر از آن خارج و یا داخل آن می‌شود.

۳۵- در اینجا بین اهالی یکی از نواحی راجع به مسافت شرعی اختلاف وجود دارد. عده‌ای می‌گویند که دیوارهای آخرین خانه‌های منطقه که به هم متصل هستند، ملاک است. عده‌ای هم معتقدند که باید مسافت را از کارخانه‌ها و شهرک‌های پراکنده‌ای که بعد از خانه‌های شهر واقع شده است، محاسبه کرد، سؤال این است که آخر شهر کجاست؟

تعیین آخر شهر موکول به نظر عرف است. اگر در نظر عرف کارخانه‌ها و شهرک‌های پراکنده اطراف شهر جزو شهر نباشد، مسافت را از آخر خانه‌های شهر باید حساب نمود.

سفر معصیت

- ۳۶- اگر انسان بداند در سفری که می‌خواهد برود، مرتکب معاصی و محرّمات خواهد شد، آیا نمازش شکسته است یا تمام؟
مادامی که سفر او به خاطر ترک واجب یا فعل حرامی نباشد، نماز او مانند سایر مسافران شکسته است.
- ۳۷- کسی که بدون قصد معصیت مسافرت کند، ولی در بین راه برای ادامه و تکمیل سفر قصد ارتکاب معصیت نماید، آیا نمازش را باید تمام بخواند یا شکسته؟ آیا نمازهای شکسته‌ای که در طول راه خوانده، صحیح است یا خیر؟
واجب است از زمانی که قصد استمرار سفر به خاطر معصیت کرده، نمازش را تمام بخواند و نمازهایی را که پس از تصمیم به ادامه سفر به قصد ارتکاب گناه، شکسته خوانده است، باید اعاده کند و تمام بخواند.
- ۳۸- سفر برای تفریح یا خرید مایحتاج زندگی با فرض فراهم نبودن مکانی برای نماز و مقدمات آن در مسافرت، چه حکمی دارد؟

اگر بداند که در مسافرت مبتلا به ترک بعضی از واجبات نماز می‌شود، احوط این است که به آن سفر نرود، مگر آن که ترک آن برای او ضرر یا مشقت داشته باشد. در هر صورت جایز نیست نماز را در هیچ حالی ترک نماید.

احکام وطن

- ۳۹- من متولد شهر تهران هستم و پدر و مادرم در اصل از اهالی شهر «مهدی شهر» هستند، لذا چندین بار در طول سال به آنجا سفر می‌کنند و من هم همراه آنان می‌روم، با توجه به این که من قصد بازگشت به «مهدی شهر» را برای سکونت ندارم، بلکه قصد دارم در تهران بمانم، نماز و روزه‌ام چه حکمی دارند؟
در فرض مذکور، نماز و روزه شما در وطن اصلی پدر و مادرتان، حکم نماز و روزه سایر مسافرین را دارد.
- ۴۰- من شش ماه از سال را در شهری و شش ماه را در شهر دیگری که محل تولدم و محل سکونت من و خانواده‌ام است، زندگی می‌کنم، ولی در شهر اول به طور متوالی و مستمر ساکن نیستم، مثلاً دو هفته یا ده روز و یا کمتر در آن می‌مانم و سپس به محل تولد و سکونت خانواده‌ام بر می‌گردم، سؤال من این است که اگر قصد ماندن کمتر از ده روز را در شهر اول داشته باشم، آیا حکم مسافر را دارم یا خیر؟

اگر آن شهر وطن اصلی شما نباشد و قصد توطن در آنجا را هم نداشته باشید، در صورتی که قصد اقامت کمتر از ده روز را داشته باشید، حکم سایر مسافرین را دارید، مگر آن که آنجا محل کار شما باشد و حداقل هر ده روز یکبار جهت کار به آنجا رفت و آمد داشته باشید که در این صورت نماز شما تمام و روزه‌تان صحیح است.

۴۱- کسی که می‌خواهد سالیانی در مکانی بماند، تا چه مدتی بنای ماندن آنجا را داشته باشد، حکم وطن را دارد، و آیا بین ماندن در آنجا صرفاً به قصد زندگی یا برای کار یا هر دو، تفاوتی وجود دارد؟
اگر بنای زندگی در آنجا را به مدت هفت، هشت سال داشته باشد برای ترتب حکم وطن کافی است. ولی اگر برای کار یا امر دیگری غیر از زندگی در آنجا، مدتی بخواهد بماند، حکم وطن مترتب نیست.

۴۲- وطن شخصی تهران است و در حال حاضر قصد دارد در یکی از شهرهای نزدیک تهران ساکن شده و آنرا وطن خود قرار دهد، ولی چون محل کسب و کار روزانه‌اش در تهران است، نمی‌تواند ده روز در آنجا بماند، چه رسد به شش ماه، بلکه هر روز به محل کارش می‌رود و شب به آنجا برمی‌گردد، نماز و روزه او در آن شهر چه حکمی دارد؟
شرط تحقق عنوان وطن جدید این نیست که انسان بعد از قصد توطن و سکونت در شهری، شش ماه به‌طور مستمر در آنجا بماند، بلکه بعد از این که آنجا را به‌عنوان وطن جدید انتخاب نمود و با این قصد، مدتی (اگر چه فقط شب‌ها) آنجا سکونت نمود، وطن او محسوب می‌شود.

۴۳- محل تولد من و همسر من شهر کاشمر است، ولی بعد از استخدام در یکی از ادارات دولتی، به نیشابور منتقل شدم، پدر و مادر ما هنوز در زادگاه‌مان زندگی می‌کنند، در ابتدای رفتن به نیشابور، از وطن اصلی خود اعراض کردیم، ولی اکنون بعد از پانزده سال از این امر منصرف شده‌ایم، خواهشمندم به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

۱- ۴۳- هنگامی که به خانه پدر و مادرم می‌رویم و چند روز نزد آن‌ها می‌مانیم، وظیفه من و همسر من راجع به نماز چیست؟
۲- ۴۳- فرزندان ما که در محل سکونت فعلی ما (نیشابور) متولد شده و در حال حاضر به سن بلوغ رسیده‌اند، هنگامی که به شهر پدری‌مان (کاشمر) رفته و چند روز نزد آن‌ها می‌مانیم، چه وظیفه‌ای دارند؟

بعد از آن که از وطن اصلی تان (کاشمر) اعراض کردید، دیگر حکم وطن در آن جا بر شما جاری نمی شود، مگر آن که دوباره برای زندگی به آن جا برگشته و با قصد زندگی دائم مدتی در آن جا اقامت کنید و این شهر نسبت به فرزندان شما هم حکم وطن را ندارد و همه شما در آن جا حکم مسافر را دارید.

۴۴- شخصی دارای دو وطن است، در نتیجه نماز خود را در هر دو مکان تمام می خواند و روزه هم می گیرد، آیا واجب است که همسر و فرزندان تحت تکفل وی در این مسأله از سرپرست خود تبعیت نمایند یا این که می توانند مستقل از او عمل کنند؟ زن می تواند وطن جدید شوهرش را وطن خود قرار ندهد، ولی فرزندان اگر صغیر باشند و در تصمیم گیری و کسب درآمد مستقل نباشند و یا در این مسأله تابع اراده پدر باشند، وطن جدید پدر، وطن آن ها هم محسوب می شود.

۴۵- اگر زایشگاه خارج از وطن پدر باشد و مادر ناچار باشد که چند روزی برای وضع حمل به زایشگاه منتقل شود و بعد از تولد فرزند برگردد، وطن این طفل کجاست؟

اگر زایشگاه در وطن پدر و مادر که در آن زندگی می کنند قرار داشته باشد، همان جا وطن اصلی کودک هم خواهد بود، در غیر این صورت مجرد تولد در شهری باعث نمی شود که آن جا وطن او شود، بلکه وطن وی همان وطن پدر و مادر است که بعد از تولد به آن جا برده شده و با آن ها زندگی می کند.

۴۶- چند سال است که شخصی در شهر اهواز سکونت دارد ولی آن جا را به عنوان وطن دوم خود قرار نداده است، اگر از آن شهر به مقدار بیشتر یا کمتر از مسافت شرعی خارج شود، هنگام بازگشت مجدد به آنجا، نماز و روزه او چه حکمی دارد؟ بعد از آن که قصد اقامت در اهواز کرد و حکم تمام خواندن نماز با به جا آوردن حداقل یک نماز چهار رکعتی بر او مستقر شد، تا از آن جا به مقدار مسافت شرعی و یا بیشتر خارج نشده، نمازش تمام و روزه او صحیح است. ولی اگر به آن مقدار از آن جا خارج شود، حکم سایر مسافرین را خواهد داشت.

۴۷- من فردی عراقی هستم که قصد اعراض از وطنم عراق را دارم، آیا همه ایران را وطن خود قرار دهم یا منطقه ای را که در آن ساکن هستم و یابرای انتخاب وطن حتماً باید خانه ای بخرم؟

در وطن جدید، قصد توطن در شهر خاص و معین و سکونت در آن به مدتی که انسان عرفاً اهل آن جا محسوب شود، شرط است، ولی تملک خانه یا غیر آن شرط نیست.

۴۸- کسی که قبل از بلوغ از محل تولد خود به شهر دیگری مهاجرت نماید و به مسأله اعراض از وطن آگاه نباشد، الآن که به سن تکلیف رسیده، نسبت به نماز و روزه اش در آن جا چه وظیفه ای دارد؟
اگر از محل تولد به تبعیت از پدرش مهاجرت کند و پدر وی قصد بازگشت به آن جا را برای زندگی نداشته باشد، آن مکان برای او حکم وطن را ندارد.

۴۹- اگر شخصی وطنی داشته باشد که در حال حاضر در آن سکونت نمی کند، ولی گاهی با همسرش به آن جا می رود، آیا همسر او در آن جا باید مانند وی نمازش را تمام بخواند یا خیر؟ و اگر همسرش تنها به آن جا برود نمازش چه حکمی دارد؟
مجرد این که آن مکان وطن شوهر اوست باعث نمی شود که وطن وی هم باشد و بر او در آن جا احکام وطن جاری شود.
۵۰- آیا محل کار حکم وطن را دارد؟

اشتغال به کاری در مکانی موجب نمی شود که آن مکان وطن گردد، ولی اگر از محل سکونت تا محل کار که به مقدار مسافت شرعی با هم فاصله دارند، در هر ده روز حداقل یک مرتبه رفت و آمد نماید، نماز وی در آن جا تمام و روزه اش صحیح است.

۵۱- مراد از اعراض از وطن چیست؟ آیا مجرد ازدواج زن و رفتن وی همراه شوهر به هر جایی که او می خواهد، اعراض محسوب می شود یا خیر؟

مراد از اعراض، خروج از وطن با تصمیم بر عدم بازگشت به آن برای سکونت است. و مجرد رفتن زن به خانه شوهر در شهر دیگر، مستلزم اعراض از وطن اصلی اش نیست.

۵۲- خواهشمندیم نظر خود را درباره وطن اصلی و وطن دوم بیان فرمایید.

وطن اصلی جایی است که انسان در آن متولد شده و مدتی در آن بوده و رشد و نمو پیدا کرده است. وطن دوم هم جایی است که مکلف آن را برای سکونت دائم، ولو برای چند ماه در هر سال، برگزیده است و یا بنای زندگی در آن جا به مدت هفت، هشت سال داشته باشد.

تبعیت زن و اولاد در وطن

۵۳- آیا زن در وطن و اقامت تابع شوهر است؟

مجرد زوجیت موجب تبعیت قهری نمی‌شود، و زن می‌تواند در انتخاب وطن و قصد اقامت تابع شوهر خود نباشد. بله، اگر زن در انتخاب وطن و اعراض از آن تابع اراده همسرش باشد، قصد شوهرش برای او کافی است و شهری که همسرش با او برای زندگی دائم و به قصد توطن به آنجا رفته است، وطن وی هم محسوب می‌شود و همچنین اعراض شوهر او از وطن مشترکشان با خروج از آن و رفتن به جایی دیگر، اعراض او از وطن هم محسوب می‌گردد، و برای اقامت ده روز در سفر، اطلاع او از قصد شوهرش مبنی بر اقامت ده روز با این فرض که وی تابع اراده شوهر است برای وی کافی است، بلکه اگر مجبور به همراهی با شوهرش در مدت اقامت در آنجا باشد، نیز حکم همین است.

۵۴- جوانی با زنی از شهری دیگر ازدواج نموده است، هنگامی که این زن به خانه پدرش می‌رود، نمازش قصر است یا تمام؟ تا زمانی که از وطن اصلی خود اعراض نکرده، نمازش در آنجا تمام است.

۵۵- آیا زن و فرزندان مشمول مسأله «۱۲۸۴» رساله حضرت امام (قدس سرّه) هستند؟ یعنی در تحقق سفر آنها قصد سفر توسط آنان شرط نیست؟ و آیا وطن پدر موجب تمام بودن نماز کسانی که تابع وی هستند، می‌گردد؟ اگر در سفر تابع پدر ولو قهراً باشند، قصد پدر برای پیمودن مسافت در صورت اطلاع آنان از آن کافی است. ولی در انتخاب وطن و اعراض از آن، اگر در تصمیم‌گیری و زندگی مستقل نباشند، یعنی بر حسب طبیعت و ارتکازشان تابع اراده پدر باشند، در اعراض از وطن سابق و اتخاذ وطن جدید که پدر با آنها برای زندگی دائمی به آنجا رفته است، تابع وی خواهند بود.

احکام بلاد کبیره

۵۶- نظر جنابعالی درباره شهرهای بزرگ از جهت قصد توطن یا اقامت ده روز در آنها چیست؟

در احکام مسافر و قصد توطن و قصد اقامت ده روز فرقی بین شهرهای بزرگ و معمولی نیست و حتی با قصد توطن در یک شهر بزرگ و مدتی در آنجا ماندن، بدون معین کردن محله خاصی از آن، تمام آن شهر حکم وطن را درباره او پیدا خواهد کرد. همچنین اگر قصد اقامت ده روز در مانند این شهر نماید، بدون این که محله خاصی از آن را قصد نماید، حکم تمام بودن نماز و صحت روزه در مورد او در تمام محله‌های آن شهر جاری خواهد بود.



تکمیلی احکام روزه

کارهایی که روزه را باطل می کند

یادآوری بعضی اموری که روزه را باطل می کند:

۱. خوردن ۲. آشامیدن ۳. استمناء، ۴. دروغ بستن به خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین (علیهم السلام)، ۵. رساندن غبار غلیظ به حلق، ۶. فرو بردن سر در آب، ۷. باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح ۸. اماله کردن با مایعات، ۹. قی کردن عمدی.

استفتائات

- ۱- دختری که به سن تکلیف رسیده، ولی به علت ضعف جسمانی توانایی روزه گرفتن ندارد، و بعد از ماه مبارک رمضان هم نمی تواند قضای آن را به جا آورد تا این که ماه رمضان سال بعد فرا می رسد، چه حکمی دارد؟
 ناتوانی از گرفتن روزه و قضای آن به مجرد ضعف و عدم قدرت موجب سقوط قضای روزه نمی شود، بلکه قضای روزه های ماه رمضان که از او فوت شده، بر وی واجب است.
- ۲- دخترانی که تازه به سن تکلیف رسیده اند و روزه گرفتن بر آنها مقداری مشکل است، چه حکمی دارند؟ آیا سن بلوغ شرعی دختران اکمال نه سال قمری است؟
 بنابر نظر مشهور، بلوغ شرعی دختران همان تکمیل نه سال قمری است که در این هنگام روزه بر آنها واجب است و ترک آن به مجرد بعضی از عذرهای جایز نیست، ولی اگر روزه گرفتن برای ایشان ضرر داشته باشد یا تحمل آن برایشان همراه با مشقت زیاد باشد، افطار برای آنها جایز است.

۳- من زمان دقیق رسیدن به سن تکلیف خود را نمی‌دانم، از جناب عالی خواهشمندم بیان فرمایید که از چه زمانی قضای نماز و روزه بر من واجب است؟

فقط قضای آن مقدار از نمازها و روزه‌ها که یقین به فوت آن بعد از رسیدن به سن قطعی تکلیف شرعی دارید، بر شما واجب است.

۴- اگر دختر نه ساله‌ای که روزه بر او واجب شده، به دلیل دشواری، روزه‌اش را افطار نماید، آیا قضا بر او واجب است یا خیر؟

قضای روزه‌هایی که از ماه رمضان افطار کرده، بر او واجب است.

۵- اگر فردی به خاطر عذری قوی، پنجاه درصد احتمال دهد که روزه بر او واجب نیست و به همین دلیل روزه نگیرد، ولی بعداً معلوم شود که روزه بر او واجب بوده، از جهت قضا و کفاره چه حکمی دارد؟

اگر افطار عمدی روزه ماه مبارک رمضان به مجرد احتمال عدم وجوب روزه بر وی باشد، در فرض سؤال علاوه بر قضا، کفاره هم بر او واجب است. اما اگر افطار به علت ترس از ضرر باشد و ترس هم منشأ عقلایی داشته باشد، کفاره واجب نیست، ولی قضا بر او واجب است.

۶- شخصی مشغول انجام خدمت سربازی است و به علت مسافرت و حضور در محل خدمت، نمی‌تواند روزه ماه رمضان سال گذشته را بگیرد، و هنگام حلول ماه رمضان امسال نیز در محل خدمت است و احتمال دارد که باز هم نتواند روزه بگیرد، اگر پس از پایان دوره خدمت سربازی بخواهد روزه این دو ماه را قضا نماید، آیا کفاره هم بر او واجب است یا خیر؟ کسی که بر اثر عذر مسافرت، روزه ماه رمضان از او فوت شده و آن عذر تا ماه رمضان سال آینده استمرار داشته، فقط قضای آن بر او واجب است و کفاره تأخیر واجب نیست.

۷- اگر شخص روزه‌دار جنب باشد و تا قبل از اذان ظهر متوجه آن نشود و پس از آن غسل ارتماسی نماید، آیا روزه‌اش باطل می‌شود؟ و اگر بعد از غسل متوجه شود که در حال روزه غسل ارتماسی نموده است، آیا قضای آن واجب است؟

اگر غسل ارتماسی بر اثر فراموشی و غفلت از روزه‌دار بودن باشد، غسل و روزه او صحیح است و قضای روزه‌اش بر او واجب نیست.

۸- اگر شخصی بخواهد قبل از زوال به محل اقامتش برسد، ولی در راه به خاطر پیش آمد حادثه‌ای نتواند در زمان معین به مقصد برسد، آیا روزه او اشکال دارد و آیا کفاره بر او واجب است یا فقط قضای روزه آن روز را باید به جا آورد؟
روزه‌اش در سفر صحیح نیست و بر او فقط قضای روزه آن‌روزی که پیش از ظهر به محل اقامتش نرسیده، واجب است و کفاره‌ای هم ندارد.

۹- اگر هواپیما در ارتفاع بالا و مسیر طولانی در حال پرواز باشد و پرواز حدود دو ساعت و نیم تا سه ساعت طول بکشد، مهمان‌دار و خلبان هواپیما برای حفظ تعادل خود هر بیست دقیقه احتیاج به نوشیدن آب دارند، در این صورت آیا در ماه مبارک رمضان، کفاره و قضای روزه بر آن‌ها واجب می‌شود؟
اگر روزه برای آن‌ها ضرر داشته باشد، جایز است که با نوشیدن آب افطار نمایند و قضای آن‌را به جا آورند و در این حالت کفاره بر آن‌ها واجب نیست.

۱۰- کسی که با پوشیدن لباس مخصوص (مانند لباس غواصی) بدون این که بدنش خیس شود، در آب فرو رود، روزه‌اش چه حکمی دارد؟

اگر لباس به سر او چسبیده باشد، صحت روزه‌اش محل اشکال است و بنا بر احتیاط وجوبی قضای آن لازم است.

۱۱- آیا مسافرت عمدی در ماه رمضان به قصد افطار و فرار از روزه گرفتن، جایز است؟

مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، و در صورت مسافرت، ولو این که برای فرار از روزه باشد، افطار بر او واجب است.
۱۳- شخصی که روزه واجب بر عهده‌اش است و قصد دارد که آن‌را بگیرد، ولی بر اثر پیش آمدی نتواند روزه بگیرد مثلاً بعد از طلوع خورشید آماده مسافرت شد و به سفر رفت و بعد از ظهر برگشت و در بین راه هم مرتکب هیچ‌یک از مفطرات نشد، ولی وقت نیت روزه واجب از وی فوت شد، و آن‌روز هم از روزهایی است که روزه در آن مستحب است، آیا می‌تواند نیت روزه مستحبی کند یا خیر؟

اگر قضاای روزه ماه رمضان بر ذمه‌اش باشد، نیت روزه مستحبی حتی بعد از فوت وقت نیت روزه واجب، از وی صحیح نیست.

بیماری و منع پزشک

۱۴- بعضی از پزشکان که به مسائل شرعی ملتزم نیستند، بیماران را از روزه گرفتن به دلیل ضرر داشتن منع می‌کنند، آیا گفته این پزشکان حجت است یا خیر؟

اگر پزشک امین نباشد و گفته او هم اطمینان آور نباشد و باعث خوف ضرر نشود، گفته او اعتباری ندارد و در غیر این صورت نباید روزه بگیرد.

۱۵- مادرم تقریباً سیزده سال بیمار بود و به همین دلیل نمی‌توانست روزه بگیرد. من دقیقاً اطلاع دارم که علت روزه نگرفتن او احتیاج به مصرف دارو بوده است، امیدواریم ما را راهنمایی فرمایید که آیا قضاای روزه‌ها بر او واجب است؟ اگر ناتوانی او از روزه گرفتن بر اثر بیماری بوده، قضا ندارد.

۱۶- من بر اثر ضعف جسمانی از ابتدای سن بلوغ تا دوازده سالگی روزه نگرفته‌ام، در حال حاضر چه تکلیفی دارم؟ واجب است روزه‌هایی را که در ماه مبارک رمضان نگرفته‌اید با اینکه به سن تکلیف رسیده بودید، قضا کنید، و اگر افطار روزه ماه رمضان عمدی و اختیاری و بدون عذر شرعی بوده، کفاره هم بر شما واجب است.

۱۷- چشم پزشک مرا از روزه گرفتن منع کرده و گفته است که به علت ناراحتی چشم به هیچ وجه نباید روزه بگیرم، ولی من به گفته او توجه نکرده و شروع به روزه گرفتن کردم که باعث بروز مشکلاتی برای من در اثنای ماه رمضان شد. به طوری که در بعضی از روزها هنگام عصر احساس ناراحتی می‌کنم، لذا متحیر و مردّد هستم بین این که روزه نگیرم و یا ناراحتی‌ام را تحمل کرده و روزه را تا غروب ادامه دهم. سؤال این است که آیا اصولاً روزه گرفتن بر من واجب است؟ و در روزهایی که روزه می‌گیرم و نمی‌دانم قدرت ادامه آن را تا غروب دارم یا نه، آیا روزه‌ام را ادامه دهم؟ و نیت من چگونه باید باشد؟ اگر از گفته پزشک متدین و امین اطمینان حاصل کنید که روزه برای چشم شما ضرر دارد و یا خوف ضرر داشته باشید،

روزه گرفتن برای شما واجب نبوده و بلکه جایز هم نیست، و با خوف ضرر نیت روزه صحیح نیست و در صورت عدم خوف ضرر نیت روزه اشکال ندارد، ولی صحت روزه متوقف بر این است که برای شما واقعاً ضرر نداشته باشد.

مبطلات روزه

۱۸- من در روز ماه رمضان به علت اغوای شیطان تصمیم گرفتم روزه‌ام را باطل کنم لکن قبل از این که عملی که روزه را باطل می‌کند انجام دهم، از تصمیم خود منصرف شدم حکم روزه‌ام چیست؟ و اگر این امر در روزه غیر ماه رمضان پیش آید چه حکمی دارد؟

در روزه ماه رمضان اگر در اثنای روز از نیت روزه گرفتن بر گردد به طوری که قصد ادامه روزه نداشته باشد، روزه‌اش باطل می‌شود و قصد دوباره او برای ادامه روزه فایده ندارد، البته تا اذان مغرب باید از کاری که روزه را باطل می‌کند خودداری کند. اما اگر دچار تردید شود به این معنی که هنوز تصمیم نگرفته است روزه را باطل کند، یا تصمیم بگیرد کاری را که موجب باطل شدن روزه است صورت دهد و هنوز آن را انجام نداده در این دو صورت صحت روزه او محل اشکال است و احتیاط واجب آن است که روزه را تمام کند و بعداً هم آن را قضا نماید. هر روزه واجب معین دیگر مانند نذر معین و امثال آن نیز دارای همین حکم است.

۱۹- آیا اگر از دهان شخص روزه دار خون بیاید، روزه‌اش باطل می‌شود؟

روزه به سبب آن باطل نمی‌شود، ولی واجب است که از رسیدن خون به حلق جلوگیری کند.

۲۰- نوعی داروی طبی برای اشخاص مبتلا به تنگی نفس شدید وجود دارد که عبارت است از یک قوطی که در آن مایع فشرده شده وجود دارد و با فشار دادن آن داروی مایع به صورت پودر گاز از طریق دهان وارد ریه شخص بیمار شده و موجب تسکین حال وی می‌گردد. گاهی بیمار مجبور می‌شود در یک روز چندین بار از آن استفاده کند، آیا با وجود استفاده از این دارو، روزه گرفتن جایز است؟ با توجه به این که بدون استفاده از آن روزه گرفتن غیرممکن و یا بسیار سخت خواهد بود.

اگر ماده مذکور هوای فشرده همراه با دارویی هرچند به صورت گاز یا پودر باشد و وارد حلق شود، صحت روزه محل اشکال است و در صورتی که روزه گرفتن بدون استعمال آن، ممکن نیست یا مشقت دارد، جایز است از آن استفاده کند، لکن احتیاط آن است که مبطل دیگری انجام ندهد و در صورت تمکن (بدون استفاده از آن) روزه‌ها را قضا نماید.

۲۱- من در بیشتر روزها آب دهانم با خونی که از لثه‌هایم می‌آید مخلوط می‌شود و گاهی نمی‌دانم آب دهانی که فرو می‌برم همراه با خون است یا خیر؟ روزه‌ام با این حال چه حکمی دارد؟ امیدوارم مرا راهنمایی فرمایید.

اگر خون لثه در آب دهان مستهلک شود، محکوم به طهارت است و بلعیدن آن اشکال ندارد و مبطل روزه نیست، و همچنین در صورت شک در همراه بودن آب دهان با خون، فرو بردن آن اشکال ندارد و به صحت روزه ضرر نمی‌زند.

۲۲- در یکی از روزهای ماه رمضان روزه گرفتم ولی دندان‌هایم را مسواک نزد، و بدون اینکه باقی مانده غذاهای لابلائی دندان‌ها را عمداً ببلعم، خودبخود بلعیده شده است. آیا قضای روزه آن روز بر من واجب است؟

اگر علم به وجود باقی مانده غذا در بین دندان‌هایتان و یا علم به رسیدن آن به حلق نداشته‌اید و فرو رفتن آن هم عمدی و با التفات نبوده، قضای روزه بر شما واجب نیست.

۲۳- از لثه شخص روزه‌داری خون زیادی خارج می‌شود، آیا روزه‌اش باطل می‌شود؟ آیا برای او ریختن آب با ظرف بر سرش جایز است؟

با خروج خون از لثه تا آن‌را فرو نبرده است، روزه باطل نمی‌شود. همچنین ریختن آب بر روی سر توسط ظرف و مانند آن به صحت روزه ضرر نمی‌رساند.

بقاء بر جنابت

۲۴- اگر فردی به سبب برخی از مشکلات تا اذان صبح بر جنابت باقی بماند آیا روزه گرفتن در آن روز برای او جایز است؟ در غیر ماه رمضان و قضای آن اشکال ندارد، ولی نسبت به روزه ماه رمضان و قضای آن، اگر معذور از غسل است، تیمم کردن بر او واجب است و اگر تیمم هم نکند، روزه‌اش صحیح نیست.

۲۵- اگر شخصی در حال جنابت چند روز روزه بگیرد و نداند که طهارت از جنابت شرط صحت روزه است، آیا کفاره روزه‌هایی که در حال جنابت گرفته بر او واجب است یا این که قضای آن‌ها کافی است؟
در فرض مرقوم قضا کفایت می‌کند.

۲۶- آیا جایز است شخص جنب بعد از طلوع آفتاب غسل جنابت نماید و روزه قضا یا مستحب بگیرد؟
اگر عمداً تا طلوع فجر بر جنابت باقی بماند، روزه ماه رمضان و قضای آن از او صحیح نیست، ولی اقوی صحت روزه‌های دیگر به خصوص روزه مستحبی است.

۲۷- شخصی در ماه رمضان در جایی مهمان شد و شب را در آن منزل خوابید و در نیمه‌های شب محتلم گردید و چون مهمان بود و با خود لباسی نداشت، برای فرار از روزه، تصمیم گرفت بعد از طلوع فجر مسافرت نماید، لذا بعد از طلوع فجر بدون این که چیزی بخورد به قصد مسافرت، حرکت نمود. سؤال این است که آیا قصد سفر توسط او موجب سقوط کفاره هست یا خیر؟

اگر با حالت جنابت از خواب بیدار شود و علم به جنب بودن خود داشته باشد و قبل از فجر اقدام به غسل یا تیمم نکند، مجرد قصد سفر در شب و یا مسافرت در روز برای سقوط کفاره از او کافی نیست.

۲۸- کسی که آب در اختیار ندارد و یا به دلیل عذرهای دیگر غیر از تنگی وقت نمی‌تواند غسل جنابت بکند، آیا جایز است عمداً خود را در شب‌های ماه مبارک رمضان جنب کند؟

اگر وظیفه او تیمم باشد و بعد از این که خود را جنب کرده، وقت کافی برای تیمم داشته باشد، این کار برای وی جایز است.
۲۹- شخصی در ماه مبارک رمضان قبل از اذان صبح بیدار شده و متوجه محتلم شدن خود نشده و دوباره خوابیده و در اثنای اذان صبح بیدار شده و علم به جنب بودن خود پیدا می‌کند و یقین دارد که احتلامش قبل از اذان صبح بوده است، روزه او چه حکمی دارد؟

اگر پیش از اذان صبح متوجه احتلام خود نشده است، روزه‌اش صحیح است.

۳۰- اگر مکلف در شب ماه رمضان قبل از اذان صبح بیدار شود و ببیند که محتمل شده است و دوباره پیش از اذان صبح به امید این که برای غسل کردن بیدار می شود بخوابد و تا بعد از طلوع آفتاب در خواب بماند و غسل خود را تا اذان ظهر به تأخیر بیندازد و بعد از اذان ظهر غسل کرده و نماز ظهر و عصر بخواند، روزه آن روز او چه حکمی دارد؟
در فرض سؤال که خواب اول است روزه اش صحیح است ولی اگر دوباره خوابید و تا صبح بیدار نشد باید قضای آن روز را به جا آورد.

۳۱- اگر مکلف در شب ماه رمضان قبل از فجر شک کند که محتمل شده یا نه، ولی به شک خود اعتنا نکند و دوباره بخوابد و بعد از اذان صبح بیدار شود و متوجه گردد که قبل از طلوع فجر محتمل شده است، چه حکمی دارد؟
اگر بعد از بیداری اول اثری از احتلام در خود مشاهده نکند، بلکه فقط احتمال آن را بدهد و چیزی بر او کشف نشود و تا بعد از اذان بخوابد، روزه اش صحیح است، هر چند بعد از آن معلوم شود که احتلام او مربوط به قبل از اذان صبح است.

احکام مبطلات روزه

۳۲- آیا تبعیت از اهل سنت در وقت افطار روزه در مراسم عمومی و مجالس رسمی و غیر آن، جایز است؟ اگر مکلف تشخیص دهد که این متابعت از موارد تقیه نیست و دلیلی برای التزام به آن وجود ندارد، وظیفه اش چیست؟
تبعیت از دیگران در افطار روزه بدون احراز دخول وقت افطار، جایز نیست، و اگر از موارد تقیه باشد افطار جایز است، ولی روزه آن روز قضا دارد، و جایز نیست به طور اختیاری افطار نماید مگر بعد از آن که داخل شدن شب و پایان یافتن روز را با یقین حسی و یا با حجت شرعی احراز نماید.

۳۳- اگر چیزی به زور وارد دهان روزه دار شود و یا سر او به همان صورت داخل آب گردد، آیا روزه اش باطل می شود؟
اگر وادار به باطل کردن روزه اش شود، مثلاً به او بگویند که اگر روزه ات را نخوری، ضرری به خودت یا مالت وارد می سازیم، او هم برای دفع این ضرر غذا بخورد، آیا روزه اش صحیح است؟

روزه شخص روزه دار با داخل شدن چیزی در حلقش بدون اختیار و یا با فرو بردن سرش به همان صورت به زیر آب باطل نمی شود، ولی اگر خودش بر اثر اکراه دیگری مرتکب مفطری شود، روزه اش باطل خواهد شد.

۳۴- اگر روزه‌دار جاهل باشد به این که تا به حد ترخص نرسیده، نباید قبل از زوال افطار کند، و قبل از حد ترخص به این اعتبار که مسافر است، افطار نماید، روزه این شخص چه حکمی دارد؟ آیا قضا بر او واجب است یا حکم دیگری دارد؟ در فرض مرقوم، روزه‌اش باطل است و باید آن را قضا کند لکن اگر از حکم مسأله، غافل بوده کفاره ندارد.

۳۵- هنگامی که مبتلا به بیماری زکام بودم، مقداری از اخلاط سر و سینه در دهانم جمع شده بود که به جای بیرون انداختن، آن را فرو بردم، آیا روزه‌ام صحیح است یا خیر؟ در بعضی از روزهای ماه مبارک رمضان در منزل یکی از اقوام بودم که بر اثر زکام و خجالت و حیا مجبور شدم با خاک، تیمم بدل از غسل واجب بکنم و تا نزدیک ظهر غسل نکردم. این کار برای چند روز تکرار شد، آیا روزه‌ام در آن روزها صحیح است یا خیر؟

فرو بردن اخلاط سر و سینه ضرری به روزه نمی‌رساند، ولی اگر به فضای دهان رسیده باشد بنا بر احتیاط واجب باید از فرو بردن آن خودداری نماید، و اما ترک غسل جنابت قبل از طلوع فجر روزی که می‌خواهید روزه بگیرید و انجام تیمم بدل از غسل به جای آن، اگر به خاطر عذر شرعی باشد و یا تیمم در آخر وقت و به خاطر تنگی آن باشد، موجب بطلان روزه نیست و روزه شما با تیمم صحیح است. در غیر این صورت، روزه شما در آن روزها باطل است.

۳۶- من در معدن آهن کار می‌کنم که طبیعت آن اقتضا می‌کند هر روز داخل معدن شده و در آن کار کنم و هنگام استفاده از ابزار کار غبار وارد دهانم می‌شود، بقیه ماه‌های سال هم به همین صورت بر من می‌گذرد، تکلیف من چیست؟ آیا روزه من در این حالت صحیح است؟

فرو بردن غبار غلیظ هنگام روزه بنا بر احتیاط واجب موجب باطل شدن آن است و باید از آن پرهیز نمود، ولی مجرد داخل شدن غبار در دهان و بینی بدون این که به حلق برسد، روزه را باطل نمی‌کند.

کفاره روزه و مقدار آن

۳۷- آیا دادن پول یک مد طعام به فقیر تا با آن غذایی برای خودش بخرد، کافی است؟

اگر اطمینان داشته باشد که فقیر به وکالت از او طعام خریده و سپس آن را به عنوان کفاره قبول می‌کند، اشکال ندارد.

۳۸- اگر شخصی وکیل در غذا دادن به عده‌ای از مساکین شود، آیا می‌تواند اجرت کار و پختن غذا را از اموالی که به‌عنوان کفّاره به او داده شده است، بردارد؟

مطالبه اجرت کار و پخت غذا برای وی جایز است، ولی نمی‌تواند آن را بابت کفّاره حساب نماید و یا از اموالی که باید به‌عنوان کفّاره به فقرا داده شود، بردارد.

۳۹- زنی به علت بارداری و نزدیکی وقت زایمان، نمی‌تواند روزه بگیرد و می‌داند که باید آن‌ها را بعد از زایمان و قبل از ماه رمضان آینده قضا نماید، اگر به‌طور عمدی یا غیرعمدی تا چند سال روزه نگیرد، آیا فقط کفّاره همان سال بر او واجب است یا آن که کفّاره تمام سال‌هایی که روزه را به تأخیر انداخته، واجب است؟

فدیه تأخیر قضای روزه ماه رمضان هرچند به‌مدت چند سال هم به تأخیر افتاده باشد، یک‌بار واجب است و آن عبارت است از یک مدّ طعام برای هر روزی، و فدیه هم زمانی واجب می‌شود که تأخیر قضای روزه ماه رمضان تا ماه رمضان دیگر بر اثر سهل‌انگاری و بدون عذر شرعی باشد، ولی اگر به‌خاطر عذری باشد که شرعاً مانع صحّت روزه است، فدیه‌ای ندارد.

۴۰- زنی به‌علت بیماری از روزه گرفتن معذور است و قادر بر قضا کردن آن‌ها تا ماه رمضان سال آینده هم نیست، در این صورت آیا کفّاره بر او واجب است یا بر شوهرش؟

اگر افطار روزه ماه رمضان از جهت بیماری و تأخیر قضای آن‌ها از جهت ادامه بیماری بوده است، برای هر روز یک مدّ طعام به‌عنوان فدیه بر خود زن واجب است و چیزی بر عهده شوهرش نیست.

۴۱- آیا رعایت ترتیب بین قضا و کفّاره، در کفّاره روزه واجب است یا خیر؟
واجب نیست.

قضای روزه

۴۲- هجده روز روزه به‌علت مسافرت در ماه رمضان برای انجام مأموریت دینی بر عهده‌ام می‌باشد، وظیفه من چیست؟ آیا قضای آن‌ها بر من واجب است؟

قضای روزه‌های ماه رمضان که بر اثر مسافرت از شما فوت شده، واجب است.

۴۳- اگر کسی برای گرفتن روزه قضای ماه رمضان اجیر شود و بعد از زوال افطار کند، آیا کفاره بر او واجب است یا خیر؟ کفاره بر او واجب نیست.

۴۴- کسانی که در ماه رمضان برای انجام وظیفه دینی در مسافرت هستند و به‌همین دلیل نمی‌توانند روزه بگیرند، اگر در حال حاضر بعد از چند سال تأخیر، بخواهند روزه بگیرند، آیا پرداخت کفاره بر آنها واجب است؟
اگر قضای روزه ماه رمضان را به‌علت استمرار عذری که مانع روزه گرفتن است، تا ماه رمضان سال آینده به تأخیر انداخته باشند، قضای روزه‌هایی که از آنان فوت شده کافی است، و واجب نیست برای هر روزی یک مدّ طعام فدیة بدهند، هر چند احتیاط در جمع بین قضا و فدیة است. ولی اگر تأخیر در قضای روزه به‌خاطر سهل‌انگاری و بدون عذر باشد، جمع بین قضا و فدیة بر آنها واجب است.

۴۶- شخصی به‌مدت ده سال بر اثر جهل نماز نخوانده و روزه نگرفته است، فعلاً توبه نموده و به‌سوی خدا بازگشته و تصمیم بر جبران آنها گرفته است، ولی توانایی قضای همه روزه‌های فوت شده را ندارد و مالی هم ندارد که با آن کفاره‌هایش را پردازد، آیا صحیح است که فقط به استغفار اکتفا کند؟

قضای روزه‌های فوت شده در هیچ صورتی ساقط نمی‌شود، ولی نسبت به کفاره افطاره عمدی روزه ماه رمضان، چنان‌چه قدرت بر روزه دو ماه و یا اطعام شصت مسکین برای هر روز نداشته باشد، باید به هر تعداد فقیر که قادر است غذا بدهد و احتیاط آن است که استغفار نیز بکند و اگر به هیچ وجه قادر به دادن غذا به فقرا نیست فقط کافی است که استغفار کند یعنی با دل و زبان خود بگوید: «استغفرالله (از خداوند بخشایش می‌طلبم)»

۴۷- نظر شریف جناب‌عالی درباره شخصی که بر اثر جهل به مسأله، عمداً روزه‌اش را افطار کرده، چیست؟ آیا فقط قضا بر او واجب است یا این که کفاره هم باید بدهد؟

اگر به سبب بی‌اطلاعی از حکم شرعی، کاری را انجام دهد که روزه را باطل می‌کند مثل این که نمی‌دانست خوردن دارو

نیز مانند سایر خوردنی‌ها روزه را باطل می‌کند و در روز ماه رمضان دارو خورد روزه‌اش باطل است و باید آن را قضا کند ولی کفاره بر او واجب نیست.

تکمیلی خمس

۱- هرگاه انسان از طریق زراعت یا صنعت یا تجارت یا از طریق کارگری و کارمندی در مؤسسات مختلف، درآمدی به دست آورد، چنانچه از مخارج سال او و همسر و فرزندان و سایر کسانی که نفقه آن‌ها را می‌دهد زیاد آید، باید خمس (پنج یک) آن را به شرحی که بعداً گفته می‌شود بپردازد.

۲- هیچ‌گونه تفاوتی میان کسب‌ها و درآمدهای کسب نیست، ولی اگر انسان چیزی را به‌عنوان وام از دیگری بگیرد خمس ندارد. همچنین اموالی که به‌عنوان ارث به او می‌رسد مشمول خمس نیست، مگر این که بداند شخص میت خمس آن را نداده، یا به خاطر سایر اموالش بدهکار خمس است. و اگر مال ارث ترقی قیمت پیدا کند و سال خمسی بر آن بگذرد مقدار تفاوت آن خمس دارد

۳- اگر کسی چیزی را به او ببخشد و از مخارج سالش زیاد آید احتیاط واجب (آیت الله مکارم) آن است که خمس آن را بپردازد، همچنین اگر از کسی ارثی به او رسد که خویشاوندی دوری با او دارد و اطلاعی از چنین خویشاوندی و انتظاری درباره چنین ارثی نداشته، در اینجا نیز احتیاط واجب آن است که خمس آن را بپردازد.

۴- هرگاه ملکی را بر افراد معینی، مثلاً اولاد خود وقف نماید، چنانچه آن ملک درآمدی داشته باشد و از مخارج سال آن‌ها زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهند.

۵- چیزی را که افراد مستحق از باب خمس یا زکات می‌گیرند، خمس ندارد، هر چند از مخارج سال‌شان به عللی زیاد بیاید، ولی اگر از مالی که از این طریق به او رسیده منفعتی ببرد، مثلاً از درختی که از باب خمس به او داده شده میوه‌ای به دست آورد، باید خمس آن مقداری که از مخارج سالش زیاد آمده بپردازد.

- ۶- اگر با عین پولی که خمس آنرا نداده اند جنسی بخرد، معامله نسبت به مقدار خمس باطل است، مگر این که حاکم شرع آنرا اجازه دهد، در این صورت باید پنج یک جنسی را که خریده به حاکم شرع دهد.
- ۷- اگر جنسی را به ذمه بخرد ولی بعد از معامله قیمت آنرا از پولی که خمس آنرا نداده بپردازد معامله او صحیح و تصرفاتش در آن جنس جایز است، ولی چون از پولی که خمس در آن است به فروشنده داده به مقدار خمس آن پول به او مدیون است و در صورتی که آن مقدار در دست فروشنده موجود باشد حاکم شرع همان را می گیرد و اگر از بین برود عوض آنرا از خریدار یا فروشنده مطالبه می کند.
- ۸- هرگاه کسی مالی را که خممش را نداده اند خریداری کند، معامله او نسبت به خمس باطل است، مگر آن که حاکم شرع اجازه دهد که در این صورت خمس پول معامله را باید به او داد و اگر به فروشنده داده باشد باید از او بگیرد و به حاکم شرع دهد.
- ۹- اگر چیزی را که خمس آنرا نداده به دیگری ببخشد، مقدار خمس آن، ملک او نمی شود.
- ۱۰- هرگاه مالی به دست انسان از شخص کافر، یا کسی که عقیده به خمس ندارد از طریق تجارت یا غیر آن بیاید، دادن خمس آن واجب نیست، اما اگر عقیده به خمس دارد ولی خمس آنرا نداده، دادن خمس آن واجب است.
- ۱۱- اگر اجمالا می دانیم کسی عقیده به خمس دارد و خمس نمی دهد ولی نمی دانیم خصوص مالی را که به ما داده خمس به آن تعلق گرفته یا نه، مثل این که احتمالا اموالی از طریق ارث به او رسیده، یا وام گرفته و احتمال می دهیم این مال از آنها باشد، تصرف در چنین مالی اشکال ندارد و خمس آن لازم نیست؛ همچنین قبول دعوت این گونه اشخاص و یا نماز خواندن در خانه آنها جایز است، مگر این که بدانیم غذایی را که تهیه کرده و یا خانه او از پولهایی است که خمس آنرا نداده.
- ۱۲- آغاز سال برای حساب خمس هر کسی، اولین درآمد اوست؛ یعنی اگر کسی شروع به تجارت و کسب و صنعت و زراعت و غیر اینها کند، اولین زمانی که درآمد برای او حاصل می شود اول سال خمس اوست و نمی توان با قصد و نیت آنرا جلو یا عقب انداخت و اگر بخواهد اول سال را جلو بیندازد راهش این است که حساب سال خود را زودتر از موعد معین برسد و خمس خود را بپردازد، همان وقت اول سال او خواهد شد.

۱۳- انسان می تواند در وسط سال هر وقت منفعتی به دستش آمد خمس آن را بدهد، ولی می تواند آن را تا آخر سال تأخیر بیندازد تا مخارج احتمالی اش را از آن بردارد.

۱۴- برای دادن خمس می توان معیار را سال شمسی یا قمری قرار داد.

استفتائات

هبه، هدیه، جایزه بانکی، مهر و ارث

۱- آیا هبه و هدیه عید (عیدی) خمس دارد؟

هبه و هدیه خمس ندارد، هر چند احوط این است که اگر از مخارج سال زیاد بیاید، خمس آن پرداخت شود.

۲- آیا به جایزه‌هایی که توسط بانک‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه به افراد پرداخت می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟
خمس در جایزه‌ها و هدیه‌ها واجب نیست.

۳- آیا مبالغی که بنیاد شهید به خانواده‌های شهدا می‌پردازد، به مازاد از مخارج سال آن، خمس تعلق می‌گیرد؟
چیزی که بنیاد شهید به خانواده‌های عزیز شهدا هدیه می‌کند، خمس ندارد.

۴- آیا نفقه‌ای که شخصی از طرف پدر یا برادر یا یکی از اقوام دریافت می‌کند، هدیه محسوب می‌شود یا خیر؟ در صورتی که نفقه دهنده خمس اموال خود را نپردازد، آیا بر نفقه گیرنده پرداخت خمس آنچه که از او می‌گیرد، واجب است؟
تحقق عنوان هبه و هدیه تابع قصد دهنده است و تا نفقه گیرنده یقین نداشته باشد که مالی که به او داده می‌شود، متعلق خمس است، پرداخت خمس آن واجب نیست.

۵- به دخترم یک واحد مسکونی به عنوان جهیزیه عروسیش داده‌ام، آیا این واحد مسکونی خمس دارد؟
اگر هبه واحد مسکونی که به دخترتان بخشیده‌اید، عرفاً مطابق شأن شما محسوب شود، و در بین سال خمسی بخشیده باشید، دادن خمس آن واجب نیست.

۶- آیا جایز است که انسان مالی را قبل از گذشت یک‌سال بر آن، به همسرش هدیه دهد، با آن که می‌داند وی آن مال را برای خرید خانه در آینده و یا مخارج ضروری، ذخیره خواهد کرد؟

این کار جایز است و مالی که به همسر تان بخشیده‌اید، اگر به مقداری باشد که عرفاً مناسب شأن شما و افراد مانند شماست و بخشش صوری و به قصد فرار از خمس هم نباشد، خمس ندارد.

۷- زن و شوهری برای این که خمس به اموال آن‌ها تعلق نگیرد، قبل از رسیدن سال خمسی شان، اقدام به هدیه کردن سود سالانه خود به یکدیگر می‌کنند، امیدواریم حکم خمس آن‌ها را بیان فرمایید.

با این گونه بخشش که صوری و برای فرار از خمس است، خمس واجب از آنان ساقط نمی‌شود.

۸- شخصی برای رفتن به حج استجابی مبلغی را به حساب سازمان حج واریز کرده، ولی قبل از تشریف به زیارت خانه خدا، فوت نموده است، این مبلغ چه حکمی دارد؟ آیا مصرف کردن آن در نیابت از حج میت واجب است؟ آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

فیش حج که در قبال مبلغی که به حساب سازمان حج واریز کرده، دریافت نموده، به قیمت فعلی اش از ترکه میت محسوب می‌شود، و میت اگر حج بر ذمه ندارد و وصیت به حج هم نکرده، صرف آن در حج نیابی برای میت واجب نیست، و خمس آن اگر پرداخت نشده باشد، در فرض سؤال واجب است پرداخت شود.

۹- باغ پدری از طریق بخشش یا ارث به پسرش منتقل شده است، آن باغ هنگام هدیه یا انتقال به او بابت ارث، قیمت زیادی نداشت، ولی در حال حاضر قیمت آن هنگام فروش با قیمت قبلی آن تفاوت زیادی کرده است، آیا به آن مقدار زیادی که بر اثر افزایش قیمت حاصل شده، خمس تعلق می‌گیرد؟

ارث و هبه و پول فروش آن‌ها خمس ندارد، هر چند قیمت آن‌ها افزایش یافته باشد، مگر این که نگهداری آن به قصد تجارت و زیاد شدن قیمت باشد.

۱۰- اداره بیمه مبلغی را بابت هزینه درمان به من بدهکار است و مقرر شده که در همین روزها به من پرداخت شود، آیا به این مبلغ خمس تعلق می‌گیرد؟

خمس ندارد.

۱۱- آیا به پولی که از حقوق ماهیانه‌ام برای خرید لوازم ازدواج در آینده، پس انداز می‌کنم، خمس تعلق می‌گیرد؟

اگر عین پولی را که بابت حقوق ماهیانه می‌گیرید، پس‌انداز می‌کنید، باید سر سال خمس آن پرداخت شود، مگر آن که بخواهید تا چند روز آینده صرف خرید لوازم ضروری ازدواج نمایید.

۱۲- در کتاب «تحریر الوسیله» آمده است که مهریه زن خمس ندارد و فرقی بین مهریه مدت‌دار و بدون مدت گذاشته نشده است، امیدواریم آن‌را توضیح فرمایید.

در عدم وجوب خمس مهریه فرقی بین مهریه مدت‌دار و بدون مدت و بین پول نقد و کالا وجود ندارد.

۱۳- دولت در ایام عید به کارمندان خود اجناسی را به‌عنوان عیدی داده که مقداری از آن تا سر سال باقی مانده است. با توجه به این که عیدی کارمندان خمس ندارد، ولی چون ما در برابر این اجناس مقداری پول پرداخت کرده‌ایم، لذا آنچه به ما داده می‌شود هدیه به معنای دقیق آن نیست، بلکه با قیمت کمتری در برابر عوض داده شده است، آیا خمس آن مقدار از کالا که در برابر آن پول پرداخت شده، باید داده شود؟ یا این که باید قیمت واقعی آن در بازار آزاد محاسبه و خمس آن پرداخت شود؟ و یا چون عیدی است، هیچ‌گونه خمسی ندارد؟

در فرض مذکور نظر به این که قسمتی از اجناس در واقع از سوی دولت مجانی به کارمند داده می‌شود و در برابر قسمتی پول دریافت می‌کنند، فلذا از کالای باقی‌مانده به نسبت مقداری که پول در برابر آن پرداخت نموده‌اید، واجب است که خمس عین اجناس باقی‌مانده یا قیمت فعلی آن‌را بپردازید.

۱۴- شخصی فوت نموده و هنگام حیات، خمسی را که بر ذمه‌اش بوده در دفتر خود یادداشت کرده و تصمیم به پرداخت آن داشته است، در حال حاضر بعد از فوت وی همه افراد خانواده او به استثنای یکی از دخترانش از پرداخت خمس خودداری کرده و در ترکه متوفی برای مخارج خود و میت و غیر آن، تصرف می‌کنند، خواهشمندیم نظر خود را در رابطه با مسائل زیر بیان فرمایید:

- * تصرف در اموال منقول و غیر منقول متوفی توسط داماد یا یکی از ورثه او، چه حکمی دارد؟
- * غذا خوردن داماد یا یکی از ورثه در خانه او چه حکمی دارد؟
- * تصرفات قبلی این افراد در اموال میت و غذا خوردن آن‌ها در خانه متوفی چه حکمی دارد؟

اگر میّت وصیت کند که مقداری از دارایی او به‌عنوان خمس پرداخت شود یا ورثه یقین پیدا کنند که وی مقداری خمس بدهکار است، تا وصیت میت و یا خمسی را که بر عهده دارد از ما ترک او ادا نکنند، نمی‌توانند در ترکه او تصرف نمایند، و تصرفات آنان قبل از عمل به وصیت وی یا پرداخت دین او، نسبت به مقدار وصیت یادین در حکم غصب است و نسبت به تصرفات قبلی نیز ضامن هستند.

قرض، حقوق ماهیانه، بیمه و بازنشستگی

۱۵- آیا بر کارمندانی که گاهی مقداری مال از مخارج سالانه آن‌ها زیاد می‌آید، با توجه به این که بدهی‌های نقدی و قسطی دارند، خمس واجب است؟

اگر بدهی بر اثر قرض کردن در طول سال برای مخارج همان سال یا خرید بعضی از مایحتاج سال به‌صورت نسیه باشد، در صورتی که بخواهد دین خود را از منافع همان سال ادا نماید، مقدار دین از باقی مانده در آمد آن سال استثنا می‌شود، و در غیر این صورت، تمام در آمد باقی مانده خمس دارد.

۱۶- آیا قرضی که برای حج تمتع گرفته می‌شود باید خمس آن داده شده باشد و بعد از پرداخت خمس، باقی مانده آن برای مخارج حج پرداخت شود؟

مالی که قرض گرفته می‌شود، خمس ندارد.

۱۷- من در خلال پنج سال مبلغی را به بنیاد مسکن جهت گرفتن زمینی به امید تأمین مسکن پرداخت کردم، ولی تاکنون تصمیمی برای واگذاری زمین گرفته نشده است، لذا تصمیم دارم، آن مبلغ را از بنیاد مسکن باز پس بگیرم، با توجه به این که قسمتی از آن را قرض گرفته‌ام و قسمتی را هم از فروش فرش خانام و باقی مانده آن را هم از حقوق همسرم که معلّم است، تهیه کرده‌ام، امیدوارم به دو سؤال ذیل پاسخ فرمایید.

۱- ۱۷- اگر بتوانم مبلغ مزبور را پس بگیرم و آن را فقط برای تهیه مسکن (زمین یا خانه) مصرف کنم، آیا خمس به آن تعلق

می‌گیرد؟

۲- ۱۷- چه مقدار خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

در فرض مرقوم که پول از راه هدیه یا قرض یا فروش لوازم زندگی تهیه شده، خمس آن واجب نیست.

۱۸- چند سال پیش از بانک وام گرفته و آنرا به مدت یک سال به حساب بانکی ام واریز کردم، و بدون آن که موفق به استفاده از آن وام شوم، هر ماه قسط آنرا می‌پردازم، آیا به این وام، خمس تعلق می‌گیرد؟

خمس آن مقدار از وام مزبور که اقساط آنرا تا سر سال خمسی از منفعت کسب خود پرداخت کرده‌اید، واجب است.

۱۹- اینجانب مبالغی به خاطر ساختمان منزل بدهکار هستم و این بدهکاری تا دوازده سال طول خواهد کشید، خواهشمندم مرا در رابطه با موضوع خمس راهنمایی فرمایید که آیا این بدهی از درآمد سال استثناء می‌شود؟

اقساط بدهی ساخت مسکن و مانند آنرا هر چند می‌توان از درآمد کسب همان سال پرداخت نمود، ولی در صورت عدم پرداخت، از درآمد آن سال استثناء نمی‌شود، بلکه به باقی مانده درآمد سر سال خمسی، خمس تعلق می‌گیرد.

۲۰- کتاب‌هایی که دانشجو از مال پدر خود یا از وامی که دانشگاه به دانشجویان می‌دهد، می‌خرد و منبع درآمدی هم ندارد، آیا خمس دارد؟ در صورتی که بداند پدر خمس پول کتاب‌ها را نداده، آیا پرداخت خمس آن واجب است؟

کتاب‌هایی که با پول وام و یا با پولی که پدر به او بخشیده، خریده شده است، خمس ندارد مگر آن که یقین داشته باشد که عین پولی که پدر به او بخشیده، متعلق خمس است که در این صورت پرداخت خمس آن واجب است.

۲۱- اگر شخصی مبلغی را قرض بگیرد و نتواند آنرا قبل از آن سال ادا کند، آیا پرداخت خمس آن بر عهده قرض دهنده است یا قرض گیرنده؟

بر قرض گیرنده خمس مال قرضی واجب نیست، ولی قرض دهنده اگر مال قرضی را از درآمد سالیانه کارش و قبل از پرداخت خمس آن قرض داده است، در صورتی که بتواند تا آخر سال قرضش را از بدهکار بگیرد، واجب است که هنگام رسیدن سال خمسی اش خمس آنرا بپردازد، و اگر نتواند قرض خود را تا پایان سال بگیرد، فعلاً پرداخت خمس آن واجب نیست، لیکن هر وقت آنرا وصول کرد باید خمس آنرا بدهد.

۲۲- افراد بازنشسته که همچنان حقوق ماهیانه دریافت می کنند، آیا باید خمس حقوقی را که در طول سال دریافت می کنند،

بپردازند؟

در صورتی که از مخارج سال اضافه بیاید، پرداخت خمس آن واجب است.

۲۳- من به شخصی مبلغی پول بدهکارم، اگر سر سال برسد و طلبکار قرض خود را مطالبه نکند و مقداری از درآمد سالانه

که با آن می توانم قرض خود را ادا کنم، نزد من موجود باشد، آیا این بدهی از درآمد سالانه استثناء می شود یا خیر؟

بدهی اعم از این که بر اثر قرض گرفتن باشد و یا بر اثر خرید نسبه لوازم خانگی، اگر به خاطر تأمین مخارج سالانه زندگی همان سال درآمد باشد اگر بخواهد پرداخت نماید، از درآمد سال کسر می شود، ولی اگر برای بدهی های سال های قبل باشد، هر چند مصرف درآمد سالانه برای پرداخت آن جایز است، ولی اگر تا پایان سال پرداخت نشود از درآمد سالانه استثناء نمی شود.

۲۴- آیا خمس بر کسی که مالی در حساب سالانه اش باقی مانده، و در حالی سال خمسی اش رسیده که بدهکار است، با

توجه به این که چند سال برای پرداخت قرضش فرصت دارد، واجب است؟

بدهی پرداخت نشده چه بدون مدت باشد و چه مدت دار، از درآمد سالانه استثناء نمی شود، مگر این که برای تأمین هزینه های

سال درآمد باشد که از درآمد آن سال مقداری را که می خواهد صرف بدهی خود کند، استثناء می شود و به معادل آن از درآمد

سالانه، خمس تعلق نمی گیرد.

۲۵- آیا به مالی که شرکت های بیمه بر اساس قرارداد برای جبران خسارت به بیمه شده پرداخت می کنند، خمس تعلق

می گیرد؟

پولی که شرکت های بیمه به فرد بیمه شده پرداخت می کنند، خمس ندارد.

حج خانه خدا

اهمیت حج در اسلام

حج یکی از ارکان مهم اسلام، و از بزرگترین فرائض دینی است.

قرآن مجید در یک عبارت کوتاه و پرمعنی می فرماید: (وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا) برای خدا بر مردم است که حج خانه او کنند، آن‌ها که توانائی رفتن به سوی او دارند و در ذیل همین آیه می فرماید: (وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِي عَنِ الْعَالَمِينَ) و هر کس کفر ورزد (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده)، خداوند از همه جهانیان بی نیاز است. (سوره آل عمران، آیه ۷۹).

جمله (برای خداست بر مردم...) به‌ضمیمه تعبیر به (کفر) در مورد کسانی که حج واجب را ترک می کنند، اهمّیت فوق‌العاده آن‌را در اسلام کاملاً روشن می سازد.

قابل توجه این که در تفسیر آیه شریفه ۲۷، سوره اسراء: (وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا) کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا بوده است، در آخرت نیز نابینا و گمراه تر است. (از امام صادق (علیه‌السلام) روایت شده که یکی از معانی آیه، کسی است که حج واجب خود را پیوسته به تأخیر می اندازد تا مرگ او فرا می رسد (او در قیامت نابینا خواهد بود. این حدیث شریف و احادیث آینده را مرحوم محقق یزدی در (العروة الوثقی) در کتاب حج و مرحوم شیخ حرّ عاملی و دیگر بزرگان در کتاب (وسائل الشیعه) و سایر کتب معروف حدیث آورده‌اند.

در حدیث دیگری آمده است: (هر کس حج واجب را بدون عذر ترک کند روز قیامت یهودی یا نصرانی محشور می شود.) و در مقابل برای حج آن‌چنان پاداش‌های عظیمی در روایات اسلامی وارد شده که درباره کمتر عملی دیده می شود. چنان که در حدیثی از امام صادق (علیه‌السلام) می خوانیم: (کسانی که حج و عمره به‌جا آورند میهمان خدا هستند، هر چه بخواهند خدا به آن‌ها می دهد، و هر دعائی کنند به اجابت می رسد، و اگر درباره کسی شفاعت کنند پذیرفته می شود... و اگر در این راه بمیرند خداوند تمام گناهان آن‌ها را می بخشد.)

و نیز در حدیث دیگری می خوانیم: (إِنَّ الْحَجَّ الْمَبْرُورَ لَا يُعَدُّ لَهُ شَيْءٌ وَلَا جَزَاءَ لَهُ إِلَّا الْجَنَّةُ حَجٌّ مَقْبُولٌ چیزی با آن برابری نمی کند و پاداشی جز بهشت ندارد!)

(وَأَنَّ الْحَاجَّ يَكُونُ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ) کسی که حج به‌جا آورد از گناه پاک می شود، همانند روز که از مادر متولد شده است. و این بزرگترین موهبت، و برترین افتخار، و بالاترین پاداش است.

شرایط وجوب حج

* حج با شرایط زیر در تمام عمر یک بار واجب می شود:

۱- بالغ بودن ۲- عاقل بودن ۳- با انجام عمل حج، واجب دیگری که مهم تر از حج است ترک نشود، یا کار حرامی که اهمیّتش در شرع بیشتر است به جا نیورد.

۴- مستطیع بودن و آن به چند چیز حاصل می شود:

۱- داشتن زاد و توشه سفر، و آنچه مورد نیاز او است و هزینه مرکب سواری و مانند آن. ۲- داشتن جواز سفر و نبودن مانعی در راه و عدم خوف بر جان و مال و عرض (آبروی) خویش. ۳- داشتن توانائی جسمانی بر انجام اعمال حج. ۴- داشتن وقت کافی برای رسیدن به مکه و انجام اعمال. ۵- داشتن مخارج زندگی همسر و فرزند و کسانی که خرج آن ها بر او شرعاً یا عرفاً لازم است در طول مدّت حج. ۶- داشتن مال یا کسب و کاری که بعد از بازگشت بتواند با آن زندگی کند.

۲- کسی که بدون خانه ملکی رفع احتیاجش نمی شود وقتی حج بر او واجب است که پول خانه را داشته باشد ولی اگر با خانه اجاره ای یا وقفی و مانند آن می تواند زندگی کند با داشتن آن مستطیع می شود.

۳- هرگاه کسی مخارج رفتن به مکه را ندارد، ولی دیگری مالی به او می بخشد یا در اختیار او می گذارد که با آن به حج برود و هزینه زن و فرزند او را نیز در این مدّت می پردازد حج بر او واجب است، هر چند بدهکار باشد، و در موقع بازگشت وسیله کافی برای امرار معاش نداشته باشد، و قبول کردن چنین هدیه ای واجب است مگر این که در آن منّت و ضرر یا مشقّت غیر قابل تحمّلی باشد، و این حج کفایت از حجّ واجب می کند.

۴- کسانی را که برای خدمت در سفر حج استخدام می کنند خواه به عنوان روحانی کاروان باشد یا مدیر و معاون کاروان و یا اعضاء ستاد و بعثه حج و یا طبیب و پرستار یا مأمورین انتظامی و مسؤولین بانک و غیر این ها، و به این صورت حج خود را به جا می آورند حجّ واجب آن ها محسوب می شود، به شرط این که هزینه خانواده اش در این مدّت نیز تأمین باشد ولی قبول چنین استخدامی واجب نیست.

- ۵- کسی که می‌تواند با وام گرفتن حج به‌جا آورد مستطیع نیست، هر چند بعداً بتواند وام خود را یک‌جا یا به اقساط بپردازد مگر این که معادل آن اموالی داشته باشد که از محل آن دین خود را به‌آسانی بپردازد.
- ۶- جایز نیست با مال حرام یا مالی که خمس آن را نداده‌اند حج به‌جا آورد و اگر لباس احرام و طواف و سعی یا پول قربانی و اجرت چادر و فرشی که بر آن وقوف به عرفات و منی می‌کند حرام باشد حجّ او بنا بر احتیاط باطل است.
- ۷- هرگاه ثبت نام برای حج کرده و پیش از آن که نوبت او برسد از دنیا برود، یا استطاعت بدنی او زائل شود مستطیع نبوده است و فیش حجّ او در صورت فوت متعلق به ورثه است مشروط به این که جز از طریق نام‌نویسی قادر بر حج نبوده باشد.
- ۸- پولی که برای نام‌نویسی داده می‌شود اگر از درآمد همان سال بوده خمس ندارد.

